

همراه با پیامبر صلی الله علیه وسلم

در اخلاق، ویژگی، آداب و عبادت‌ها

(بر اساس منابع اهل سنت)

گرد آوری : بخش علمی مدارالوطن
ترجمه : منصور منصوری


بسم الله الرحمن الرحيم

همراه با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

در

اخلاق، ویژگی، آداب و عبادت‌ها

گردآوری: بخش علمی هدارالوطن

ترجمه: منصور منصوری

شیراز

انتشارات ایلاف

سرشناسه	:	مدارالوطن. بخش علمی
عنوان قراردادی	:	النبی صلی الله علیه وسلم کأنّک تراه اخلاقه. صفاته . آدابه. عباداته.
عنوان و نام پدیدآور	:	همراه با پیامبر صلی الله علیه وسلم در اخلاق، ویژگی، آداب و عبادت‌ها
مشخصات نشر	:	شیراز: ایلاف، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۶۴ ص.
شابک	:	978-964-198-135-0
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است
شناسه افزوده	:	منصوری، منصور
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۷۸۷۴۲۲



شیراز، خیابان فردوسی، نبش کوچه ۱۲، ساختمان شماره ۲۰، طبقه همکف، تلفن: ۳۲۲۴۵۷۵۵-۰۷۱

نام کتاب: همراه با پیامبر ﷺ در اخلاق، ویژگی، آداب و عبادت‌ها

گردآوری: بخش علمی مدار الوطن

ترجمه: منصور منصوری

ویراستار: واحد ویرایش ایلاف

طرح جلد: گروه طراحی هفت

ناشر: ایلاف

تیراژ: ۳۰۰۰

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۴

چاپ و صحافی: دنیا

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۸-۱۳۵-۰ ISBN: 978-964-198-135-0

فهرست مطالب

مقدمه

حمد و ستایش برای پروردگار جهانیان، و سلام و درود بر فرستاده‌ی رحمت، پیامبرمان محمد و بر آل و یارانش، اما بعد؛

به راستی که پیامبر و فرستاده‌ی برگزیده‌ی ما، الگویی پاک و نمونه‌ی نیکویی است برای کسانی که به دنبال هدایت و پیروزی و رستگاری هستند. الله متعال می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللهَ وَالْيَوْمَ الآخِرَ وَذَكَرَ اللهَ كَثِيرًا﴾ [احزاب: ۲۱] «یقیناً برای شما در زندگی فرستاده‌ی الله سرمشق نیکویی است، برای آنان‌که به الله و روز آخرت امید دارند، و الله را بسیار یاد می‌کنند.»

هیچ پیروزی، هدایت، رستگاری، اطمینان و آرامشی وجود ندارد مگر در پیروی از روش پیامبرمان محمد ﷺ؛ در همه‌ی کارها باید در پرتو نور نبوت حرکت نمود، چرا که آن حضرت حتی آداب ارتباط بین زوجین، قضای حاجت، خواب، غذا خوردن و ... را برای همه مشخص نموده‌اند.

در این صفحاتی که به بیان مقداری از صفات، اخلاق، سرشت، آداب و عبادت ایشان ﷺ پرداخته‌ایم، بر بیان احادیث صحیح و حسن اکتفا نموده‌ایم و از بیان احادیث ضعیف و ساختگی پرهیز کرده‌ایم.

از الله متعال خواهانیم که در پیروی از پیامبرش ﷺ و حرکت بر روش ایشان ما را موفق نماید، چرا که الله بهترین خوانده‌شده، یاور و یاری‌دهنده است.



صفات ظاهری پیامبر ﷺ

۱. بدن ایشان ﷺ

«كانَ أَحْسَنَ النَّاسِ وَجْهًا، وأَحْسَنَهمْ خَلْقًا، ليسَ بالطَّويلِ البَائِنِ، ولا بِالقَصِيرِ» [البخاري].

چهره‌ی ایشان ﷺ از همه‌ی مردم نیکوتر بود، و از نظر ظاهر هم از همه بهتر بود؛ نه زیاد بلندقد بود، و نه کوتاه.

«كان مَربُوعًا، بَعِيدَ ما بَيْنَ المَنكِبَيْنِ، لَه شَعَرٌ يَبلُغُ شَحمةَ أُذُنَيْهِ» [البخاري].

ایشان ﷺ شخصی چهارشانه، [به‌گونه‌ای] که دو شانه‌اش از هم دور بودند. موهایی داشت که بلندی آن به لاله‌ی گوششان می‌رسید.

«كان ضَخْمَ الرَّأْسِ واليَدَيْنِ وَالقَدَمَيْنِ» [البخاري].

ایشان ﷺ سر، دست‌ها و پاهایی درشت داشت.

«كان وَجْهُهُ مِثْلُ الشَّمْسِ وَالقَمَرِ، وكانَ مُسْتَدِيرًا» [مسلم].

صورت ایشان ﷺ به مانند خورشید و ماه [روشن]، و دایره‌ای شکل بود.

«كان رَبْعَةً مِنَ القومِ، لَيسَ بِالطَّويلِ البَائِنِ، ولَا بِالقَصِيرِ، أَزهَرَ اللَّونِ، لَيسَ بِالأَبْيَضِ الأَمْهَقِ، ولَا بِالآدَمِ، ولَيسَ بِالجَعْدِ القَطَطِ، ولا السَّبْطِ» [متفق عليه].

(رَبْعَة: میانه، معتدل. أزهَر: سفیدی صبح‌گاه. الأمهَق: سفیدی زیاد. آدَم: سیاه. الجَعْد القَطَط: موی مجعد، فرفری. السَبط: المعتدل، صاف).

ایشان ﷺ در میان افراد، قامتی متوسط داشت، نه بسیار بلند بود، و نه کوتاه. [پوست ایشان] به سفیدی صبح‌گاه بود، نه بسیار سفید و نه سیاه. و موهای ایشان ﷺ نه فرفری و مجعد بود و نه صاف.

«كان شَدِيدُ سَوادِ الشَّعرِ، أَكحَلُ العَينَينِ، أهدَبُ الأشفَارِ، إذا وَطِئَ بِقَدَمِهِ وَطِئ بِكُلِّها، لَيسَ لَه أخمَص، إذا وَضَعَ رِدَائهُ عَن مَنكِبيهِ، فكأنَّهُ سَبِيكَةُ فِضَّةٍ» [البيهقي وحسنه الألباني].

(أكحَلُ العَينَين: محل رویش مژه‌ها سیاه بود. أهـدَبُ الأشـفَار: پلک‌هـای دراز. الأخمَص: کف پا).

ایشان ﷺ موهایی بسیار سیاه، چشمانی سرمه‌کشیده [به صورت طبیعـی] و مژه‌هایی بلند داشت. هنگـامی کـه راه مـی‌رفـت گام‌هـایش محکـم بـود، و قدم‌هایش را بر زمین نمی‌کشید. هرگاه عبایش را از شانه‌هایش بر می‌داشت به مانند شمش نقره بود.

«كان إذا سُرَّ استَنَار وَجهُهُ كَأَنَّهُ قِطعَةُ قَمَرٍ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ هرگاه خوشحال می‌شد چهره‌اش به مانند ماه می‌درخشید.

«كان أَبيَضَ مَلِيحَ الوَجهِ» [مسلم].

ایشان ﷺ چهره‌ای سفید و جذاب داشت.

۲. موهای ایشان ﷺ

«كان شَعرُهُ دُونَ الجُمَّةِ، وفَوقَ الوَفْرَةِ» [الترمذي وصححه الألباني].

(الجُمّة: حالتی که مو به روی شانه‌ها برسد. الوَفرَة: حالتی که مو به بناگوش رسد).

موهای ایشان ﷺ به اندازه‌ای بود که نه روی شانه‌هایش ریخته بود، و نـه از بناگوش پایین‌تر.

«كان شَعرُهُ يَضرِبُ مَنكِبَيهِ» [متفق عيه].

موهای ایشان ﷺ به شانه‌هایشان می‌رسید.

«كان شَيبُه نَحوَ عِشرِينَ شَعَرَةً» [صحيح الجامع].

موی سفید ایشان ﷺ به شمار بیست تار موی بود.

«كان كَثِيرَ شَعرِ اللِّحيَةِ» [مسلم].
ریش ایشان ﷺ پرپشت بود.

«كان يُصَفِّرُ لِحيَتَهُ بِالوَرسِ» [متفق عليه].
(الوَرس: گیاهی که برای رنگ نمودن لباس به کار می‌رود).
ایشان ﷺ ریشش را با وَرس زرد می‌نمود.

۲. عطر ایشان ﷺ

«كان يُعجِبُهُ الرِّيحُ الطَّيِّبَةُ» [أبو داود وصححه الألباني].
بوی خوش ایشان ﷺ را شادمان می‌نمود.

«كان لاَ يَرُدُّ الطِّيبَ» [البخاري].
ایشان ﷺ عطر و بوی خوش را می‌پذیرفت.

«كان يُعرَفُ بِرِيحِ الطِّيبِ إذا أَقبَلَ» [ابن سعد وصححه الألباني].
ایشان ﷺ هرگاه که می‌آمد به بوی عطر شناخته می‌شد.

«كان يَشْتَدُّ عَلَيْهِ أَنْ تُوجَدَ مِنْهُ الرِّيحُ» [متفق عليه].
برای ایشان ﷺ ناگوار بود که بوی [بدی] از ایشان به مشام رسد.

۴. سخن گفتن و سکوت ایشان ﷺ

«كان طَوِيلَ الصَّمْتِ، قَلِيلَ الضَّحِكِ» [أحمد وحسنه الألباني].
ایشان ﷺ بسیار سکوت می‌نمود و کم می‌خندید.

«كان لَا يَضْحَكُ إِلَّا تَبَسُّمًا» [أحمد والترمذي وصححه الألباني].
ایشان ﷺ نمی‌خندید مگر به حالت تبسم.

«كان إذا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ أَعَادَهَا ثَلاثًا حَتَّىٰ تُفهِمَ عَنهُ، وإذَا أَتَىٰ عَلَى قَومٍ فَسَلَّمَ عَلَيهِم، سَلَّمَ عَلَيهِم ثَلاثًا» [البخاري].

ایشان ﷺ هرگاه سخنی می‌گفت سه بار آن را تکرار می‌نمود تا فهمیده شود، و هرگاه بر گروهی وارد می‌شد و بر آنان سلام می‌کرد، سه بار سلامش را تکرار می‌کرد.

«كان كَلامُهُ يَفهَمُهُ كُلُّ مَن سَمِعَهُ» [أبو داود وحسنه الألباني].

هر کس که کلامِ ایشان ﷺ را می‌شنید، آن را فهم می‌کرد.

«كان يُحَدِّثُ حَدِيثًا لَوْ عَدَّهُ العَادُّ لَأَحْصَاهُ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ به گونه‌ای شمرده سخن می‌گفت که اگر کسی می‌خواست کلمات ایشان را برشمارد، می‌توانست.

۵. ویژگی‌های دیگر ایشان ﷺ

«كان يَمشِي مَشيًا يُعرَفُ فِيْهِ أَنَّهُ ليسَ بِعَاجِزٍ ولا كَسلَان» [ابن عساكر وحسّنه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه راه می‌رفت معلوم می‌شد که شخصی ناتوان و خسته نیست.

«كان إذا مَشَىٰ لَمْ يَلْتَفِتْ» [الحاكم وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه راه می‌رفت روی برنمی‌گرداند.

«كان يَتَخَتَّمُ بِالفِضَّةِ» [البخاري].

ایشان ﷺ انگشتر نقره می‌پوشید.

«كان يَجعَلُ فَصَّهُ مِمَّا يَلِي كَفَّهُ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ خاتَم (نگین) انگشتریش را از جنس انگشترش قرار می‌داد.

«كان إِذَا اعْتَمَّ سَدَلَ عِمَامَتَهُ بَيْنَ كَتِفَيْهِ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ هرگاه عمامه می‌بست دنباله‌ی آن را در بین شانه‌هایش رها می‌کرد.

* * *

اخلاق پیامبر ﷺ

«كَانَ خُلُقَهُ الْقُرْآنَ» [مسلم].

اخلاق ایشان ﷺ قرآن بود.

۱. فروتنی و تواضع ایشان ﷺ

«كان وِسَادَتُه الَّتِي يَنَامُ عَلَيْهَا بِاللَّيْلِ مِنْ أَدَمٍ، حَشْوُهَا لِيفٌ» [أبوداود والترمذي وصححه الألباني].

بالشتی که ایشان ﷺ در شب بر آن می‌خوابید از پوست دباغی شده‌ای بود که با الیاف درخت نخل پر شده بود.

«كان يَردِفُ خَلفَهُ، ويَضَعُ طَعامَهُ عَلَى الأرض، ويُجيبُ دَعوَةَ المَملُوكِ، ويَركِبُ الحِمَارَ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ در آخر همه حرکت می‌کرد، و غذایش را بر زمین می‌گذاشت، و دعوت برده را قبول می‌نمود، و بر الاغ سوار می‌شد.

«كان يُدْعَى إِلَى خُبزِ الشَّعِيرِ وَالإهالَة السِنخَة» [أحمد وصححه الألباني].

(الإهَالَة السنخَة: روغن تغییر کرده).

ایشان ﷺ به خوردن نان جو و روغنی که بوی آن تغییر کرده بود، دعوت می‌شد [و قبول می‌نمود].

«كان لا يُدفَعُ عَنهُ النَّاسُ ولا يُضرَبُونَ عَنهُ» [صحيح الجامع].

مردم را از ایشان ﷺ دور نمی‌کردند و از طرف ایشان ﷺ به کسی نمی‌زدند.

«كان يَأْتِي ضُعَفَاءَ الْمُسْلِمِينَ وَيَزُورُهُمْ، وَيَعُودُ مَرْضَاهُمْ، وَيَشْهَدُ جَنَائِزَهُمْ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ به نزد ضعیفان و سالخوردگان مسلمان می‌آمد و آنان را زیارت می‌کرد، و بیماران را عیادت می‌نمود، و در تشییع جنازه‌شان حاضر می‌شد.

«كان يَجْلِسُ عَلَى الأَرْضِ، وَيَأْكُلُ عَلَى الأَرْضِ، وَيَعْتَقِلُ الشَّاةَ» [الطبراني وصححه الألباني].

ایشان ﷺ بر زمین می‌نشست و بر زمین غذا می‌خورد، و از گوسفندان مواظبت می‌نمود.

«كان يَخِيطُ ثَوْبَهُ، وَيَخْصِفُ نَعْلَهُ، وَيَعْمَلُ مَا يَعْمَلُ الرِّجَالُ فِي بُيُوتِهِمْ» [أحمد وصححه الألباني].

ایشان ﷺ لباسش را خود می‌دوخت، و کفشش را تعمیر می‌کرد، و کارهایی که مردان در خانه‌هایشان انجام می‌دهند، انجام می‌داد.

«كان يَكْرَهُ أَنْ يَطَأَ أَحَدٌ عَقِبَهُ، وَلَكِن يَمِينَ وَشِمَالَ» [الحاكم وصححه الألباني].

ایشان ﷺ ناپسند می‌دانست که کسی از پشت سرش حرکت کند، و حرکت کردن در طرف راست و چپ را می‌پسندید.

[قال ﷺ: «مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ مِنْ مَالٍ، وَمَا زَادَ اللهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ، إِلَّا عِزًّا، وَمَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ لِلَّهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللهُ» [مسلم]

ایشان ﷺ می‌فرمود: هرگز صدقه دادن چیزی از مال کم نمی‌کند، و هیچ بنده‌ای عفو و گذشت نمی‌کند مگر اینکه الله بر عزت او می‌افزاید، و هرکس برای الله فروتن باشد، الله او را بالا می‌برد.]

۲. رحمت و مهربانی ایشان ﷺ

«كانَ أَرْحَمُ النَّاسِ بِالصِّبْيَانِ وَالعِيَالِ» [مسلم].

ایشان ﷺ مهربان‌ترین مردم برای کودکان و خانواده‌ها بود.

«كان رَحِيمًا، وكان لا يَأْتِيهِ أَحَدٌ إِلَّا وَعَدَهُ وَأَنْجَزَ لَهُ» [بخاري].

ایشان ﷺ بسیار مهربان بود، و کسی [برای حاجتی] به نزدشان نمی‌آمد مگر این‌که به آن شخص وعده می‌داد و آن را عملی می‌ساخت.

«كان يَتَخَلَّفُ فِي المَسِيرِ، فيُزْجِي الضَعِيفَ، ويُرْدِفُ ويَدعُو لَهُمْ» [أبو داود وصححه الألباني].

ایشان ﷺ در آخر جمع حرکت می‌نمود، پس شخص ضعیفی که بر

سواریش سوار بود را برای حرکت کمک می‌کرد، و شخص ضعیفی را هم که پیاده بود بر سواری سوار می‌نمود، و برایشان دعا می‌کرد.

«كانَ يُصغِي لِلهِرَّةِ الإِنَاءَ فَتَشْرَبُ ثُمَّ يَتَوضَّأُ بِفَضْلِها» [أبو داود وصححه الألباني].

ایشان ﷺ ظرف آب را به گربه نزدیک می‌نمود، و گربه از آن می‌نوشید، سپس ایشان ﷺ با باقیمانده‌ی آن وضو می‌گرفت.

«كان لا يَأنَفُ وَلا يَستَكبِرُ أن يَمشِيَ مَعَ الأَرمِلَة والمِسكِينِ والعَبدِ حتَّىٰ يَقضِيَ لَه حَاجَتَهُ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ از این‌که با بیوه‌زن، نیازمند و برده به راه افتد، تا نیازشان را برآورده سازد، فخر و تکبر نمی‌ورزید.

كان مِمَّا يَقولُ لِلخَادم: «أَلكَ حَاجَةٌ؟» [أحمد وصححه الألباني].

از سخنانش به خدمتکاران این بود: آیا نیاز و حاجتی داری [که برآورده سازم]؟

[قَالَ ﷺ : «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَـرْحَمْ صَـغِيرَنَا وَيَعْـرِفْ شَرَفَ كَبِيرِنَـا» [ترمذی و صححه الألبانی]

ایشان ﷺ می‌فرمود: هرکس به کوچک‌تر رحم نکند و جایگاه بزرگ‌تر را نداند، از ما نیست.]

۲. زهد و پارسایی ایشان ﷺ

«كان لا يَدَّخِرُ شَيْئًا لِغَدٍ» [الترمذي وصححه الألباني].

ایشان ﷺ چیزی را برای فردا ذخیره نمی‌کرد.

«كان يُؤْتَى بِالتَّمْرِ فِيهِ دُودٌ فيُفَتِّشُهُ، يُخْرِجُ السُّوسَ مِنْهُ» [أبو داود وصححه الألباني].

برای ایشان ﷺ خرمایی آورده می‌شد که در آن کرم درست شده بود، پس آن را پاک می‌کرد و شپش‌های آن را بیرون می‌آورد.

«كان يَبِيتُ اللَّيَالِي المُتَتَابِعَةَ طَاوِيًـا وَأَهْلُـهُ لَا يَجِـدُونَ عَشَـاءً، وَكَانَ أَكْـثَرُ خُبْزِهِمْ خُبْزَ الشَّعِيرِ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ شب‌های پیاپی خود و خانواده‌اش با شکم گرسنه می‌خوابیـد، و غذایی برای شام نمی‌یافت؛ و بیشتر نانی که مصرف می‌کرد نان جو بود.

«كان لا يَجِدُ مِنَ الدَّقَلِ مَا يَمْلَأُ بَطْنَهُ» [مسلم].

(الدَّقَل: مراد خرما).

ایشان ﷺ [گاهی] خرما را به اندازه‌ای که شکمشان را سیر کند، نمی‌یافت.

۴. جود و بخشش ایشان ﷺ

«كان لَا يُسْأَلُ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ، أَوْ سَكَتَ» [صحيح الجامع].

هیچ‌گاه از ایشان ﷺ چیزی درخواست نشد، مگر این‌که آن را مـی‌بخشـید یا سکوت می‌نمود.

«كان لَا يَكَادُ يُسأَلُ شَيئًا إِلَّا فَعَلَهُ» [الطبراني وصححه الألباني].

چون چیزی از ایشان ﷺ درخواست می‌شد، آن را انجام می‌داد.

«كان إِذَا أَتَاهُ الْفَيْءُ قَسَمَهُ فِي يَوْمِهِ» [صحيح الجامع].

هرگاه مال فیء(غنیمت بدون جنگ) به نزد ایشـان ﷺ آورده می‌شـد، در همان روز آن را تقسیم می‌نمود.

«كان لَا يَمْنَعُ شَيْئًا يُسْأَلُهُ» [أحمد وصححه الألباني].

چیزی که از ایشان ﷺ درخواست می‌شد دریغ نمی‌کرد.

۵. دیگر خصوصیات اخلاقی ایشان ﷺ

«كان أَحْسَنَ النَّاسِ، وَأَجْوَدَ النَّاسِ، وَأَشْجَعَ النَّاسِ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ خیرخواه‌ترین مردم، سخاوتمندترین مردم، و شجاع‌ترین آنان بود.

«كان أَبغَضَ الخُلُقِ إِلَيـهِ الكَذِبُ» [البيهقي وصححه الألباني].

رفتاری که ایشان ﷺ را بسیار به خشم می‌آورد، دروغ بود.

«كان إِذَا اطَّلَعَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ كَذَبَ كَذْبَةً، لَـمْ يَـزَلْ مُعْرِضًـا عَنْـهُ حَتَّىٰ يُحْدِثَ التَّوْبَةَ» [أحمد وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه متوجه می‌شد که شخصی از اهل خانه‌اش دروغ گفته، از او روی برمی‌گرداند تا این‌که آن شخص توبه کند.

«كان تَنَامُ عَيْنَاهُ وَلَا يَنَامُ قَلْبُهُ» [الحاكم وصححه الألباني].

چشمان ایشان ﷺ به خواب می‌رفت، و قلبش هرگز!

كان إِذَا ذَبَحَ الشَّاةَ يَقُولُ: «أَرْسِلُوا بِهَا إِلَى أَصْدِقَاءِ خَدِيجَةَ» [مسلم].

ایشان ﷺ هرگاه گوسفندی را سر می‌برید، می‌فرمود: از آن برای دوستان خدیجه هم بفرستید.

«كان أَشَدَّ حَيَاءً مِنَ الْعَذْرَاءِ فِي خِدْرِهَا» [متفق عليه].

ایشان ﷺ از دوشیزه‌ای که خود را از دیدگان نهان می‌دارد با حیاتر بود.

«كان لَا يَنتَقِمُ لِنَفسِهِ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ هرگز به‌خاطر خودش از کسی انتقام نمی‌گرفت.

[عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «إِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ، وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَصْدُقُ حَتَّى يَكُونَ صِدِّيقًا. وَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ، وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللهِ كَذَّابًا» [متفق عليه]

از پیامبر ﷺ روایت است که می‌فرمود: «همانا راستگویی انسان را به نیکی راهنمایی می‌کند، و نیکی انسان را به بهشت می‌رساند، و شخص به اندازه‌ای راست می‌گوید که در زمره‌ی راستگویان قرار می‌گیرد. و همانا دروغگویی انسان را به بدی می‌کشاند، و بدی انسان را به جهنم سرازیر می‌کند، و شخص به اندازه‌ای دروغ می‌گوید که نزد خداوند در زمره‌ی دروغگویان نوشته می‌شود.»

قال ﷺ : «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ، وَيُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ» [مسلم]

ایشان ﷺ می‌فرمود: «هرکس که دوست دارد در روزیش گشایش ایجاد شود و عمرش طولانی گردد پس (با دیدار نزدیکان) صله رحم را حفظ نماید.»]

* * *

آداب و رفتارهای ایشان ﷺ

۱. دعا نمودن ایشان ﷺ

«كان يَسْتَحِبُّ الْجَوَامِعَ مِنَ الدُّعَاءِ وَيَدَعُ مَا سِوَىٰ ذَلِكَ» [أبو داود والحاكم وصححه الألباني].

ایشان ﷺ دعاهای کامل را دوست می‌داشت و دعاهای دیگر را رها می‌کرد.

«كان إِذَا دَعَا بَدَأَ بِنَفْسِهِ» [الطبراني وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه دعا می‌نمود، ابتدا برای خودش دعا می‌کرد.

«كان إِذَا دَعَا جَعَلَ بَاطِنَ كَفِّهِ إِلَى وَجْهِهِ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ هرگاه دعا می‌کرد، کف دستش را به طرف صورتش قرار می‌داد.

كان أَكْثَرُ دَعْوَةٍ يَدْعُو بِهَا ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [متفق عليه].

ایشان ﷺ بیشترین دعایی که می‌کرد این بود: ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ «پروردگارا، در دنیا و آخرت به ما نیکی ببخش، و ما را از عذاب آتش حفظ کن.»

كان أَكْثَرُ دُعَائِهِ: «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ»، فَقِيلَ لَه فِي ذَلِكَ؟ قال: «إِنَّهُ لَيْسَ آدَمِيٌّ إِلَّا وَقَلْبُهُ بَيْنَ أُصْبُعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ اللهِ فَمَنْ شَاءَ أَقَامَ وَمَنْ شَاءَ أَزَاغَ» [رواه الترمذي وأحمد وصححه الألباني].

بیشترین دعای ایشان ﷺ این دعا بود: «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ/ ای دگرگون‌کننده‌ی قلب‌ها، قلبم را بر روش و دین خودت ثابت نگه دار.» در مورد این دعا از ایشان ﷺ سؤال شد؟ فرمود: «هیچ انسانی نیست مگر این‌که قلبش در بین انگشتان الله متعال است، پس هرکس را بخواهد ثابت نگه می‌دارد و هرکس را بخواهد منحرف می‌سازد.»

«كان يَتَعَوَّذُ مِنْ جَهْدِ البَلاَءِ، وَدَرَكِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ القَضَاءِ، وَشَمَاتَةِ الأَعْدَاءِ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ از دشواری بلاها، و رسیدن مصیبت، و بدی قضاء و قدر، و خوشحالی دشمنان، به الله پناه می‌برد.

كان إذَا نَزلَ بِه هَمٌّ أو غَمٌّ قَالَ: «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ» [الترمذي وحسنه الألباني].

هرگاه سختی و یا ناراحتی به ایشان ﷺ می‌رسید، می‌فرمود: «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ/ ای زنده‌ی همیشه جاوید، ای برپادارنده‌ی هستی، با رحمتت مرا یاری کن.»

كان إذَا رَاعَهُ شَيءٌ قَال: «اللهُ اللهُ رَبِّي لا شَرِيكَ لَهُ» [النسائي وصححه الألباني]

هرگاه چیزی ایشان ﷺ را ناراحت می‌ساخت، می‌فرمود: «اللهُ اللهُ رَبِّي لا شَرِيكَ لَهُ/ الله، الله پروردگار من است و هیچ شریکی ندارد.»

كان إذَا خَافَ قَوماً قَال: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِم» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ هرگاه از قوم و گروهی وحشت داشت می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِم/ بار خدایا، ما تو را در مقابل آن‌ها قرار می‌دهیم، و از بدی‌هایشان به تو پناه می‌بریم.»

«كان إذَا أَرَادَ أَنْ يَدْعُوَ عَلَى أَحَدٍ أَوْ يَدْعُوَ لِأَحَدٍ، قَنَتَ بَعْدَ الرُّكُوعِ» [البخاري].

ایشان ﷺ هرگاه می‌خواست علیه شخصی یا برای شخصی دعا کند، بعد از رکوع قنوت می‌خواند.

۲. ذکر و یاد الله و تلاوت قرآن ایشان ﷺ

«كان يَذْكُرُ اللهَ تَعَالَى عَلَى كُلِّ أَحْيَانٍ» [مسلم].

ایشان ﷺ در همه‌ی حالت‌ها ذکر و یاد الله می‌نمود.

«كان يُكْثِرُ الذِّكْرَ وَيُقِلُّ اللَّغْوَ» [النسائي والحاكم وصححه الألباني].
ایشان ﷺ بسیار ذکر و یاد الله می‌نمود، و سخن بیهوده نمی‌گفت.

«كان يَعْقِدُ التَّسْبِيحَ بِيَمِينِهِ» [أبو داود والترمذي وصححه الألباني].
«سُبحَانَ الله» گفتن را با دست راستش می‌شمرد.

«كانَ لَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ فِي أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثٍ» [صحيح الجامع].
ایشان ﷺ قرآن را در کمتر از سه روز ختم نمی‌کرد.

«كان يُقَطِّعُ قِرَاءَتَهُ آيَةً آيَةً ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ ثُمَّ يَقِفُ ﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ثُمَّ يَقِفُ» [صحيح الجامع].
ایشان ﷺ قرآن را آیه به آیه تلاوت می‌نمود، به صورتی که آیه‌ی ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ را می‌خواند، سپس مکث می نمود، ﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ و دوباره مکث می‌کرد.

«كان يَمُدُّ صَوْتَهُ بِالْقُرْآنِ مَدًّا» [أحمد والنسائي وصححه الألباني].
ایشان ﷺ [در تلاوت قرآن] به هنگام خواندن حروف مدّ آن‌ها را می‌کشید.

«كان إِذَا قَرَأَ مِنَ اللَّيلِ رَفَعَ طَورًا وَخَفِضَ طَورًا» [أبو داود وصححه الألباني].
ایشان ﷺ هرگاه قسمتی از شب قرآن را تلاوت می‌نمود، در حالتی صدایش را بالا می‌برد و در حالتی دیگر صدایش را پایین می‌آورد.

كان إِذَا قَرَأَ ﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ قَالَ: «سُبْحانَ رَبِّيَ الأعْلَى» [أحمد وأبو داود وصححه الألباني].
ایشان ﷺ هرگاه آیه‌ی ﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ تلاوت می‌کرد، می‌فرمود: «سُبْحانَ رَبِّيَ الاعْلَى/ پاک و منزه است پروردگار بلندمرتبه‌ام.»

«كان إِذَا مَرَّ بِآيَةِ خَوْفٍ تَعَوَّذَ، وَإِذَا مَرَّ بِآيَةِ رَحْمَةٍ سَأَلَ، و إِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا تَنْزِيهٌ لِلَّهِ سَبَّحَ» [مسلم].

ایشان ﷺ هرگاه به آیه‌ی ترسناکی می‌رسید به الله پناه می‌برد، و هرگاه از آیات رحمت گذر می‌کرد آن را از الله درخواست می‌نمود، و هر وقت آیه‌ای را تلاوت می‌کرد که در آن تنزیه و پاکی الله بود «سُبحَانَ الله» می‌گفت.

«كان يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي دُعَاءِ الِاسْتِسْقَاءِ حَتَّى يُرَىٰ بَيَاضُ إِبْطَيْهِ» [متفق علیه].

ایشان ﷺ در هنگام دعا برای طلب باران دستانش را چنان بالا می‌برد که سفیدی زیر بغلش دیده می‌شد.

۲. لباس و پوشش ایشان ﷺ

«كان أَحَبُّ الثِّيَابِ إِلَيْهِ الحِبَرة» [صحیح الجامع].

محبوب‌ترین لباس برای ایشان ﷺ حبره (لباسی با پارچه نخی و راه راه که از یمن می‌آوردند) بود.

«كان أَحَبُّ الثِّيَابِ إِلَيْهِ الْقَمِيصَ» [صحیح الجامع].

دوست‌داشتنی‌ترین لباس برای ایشان ﷺ، قمیص (پیراهن نخی) بود.

«كان إِذَا لَبِسَ قَمِيصًا بَدَأَ بِمَيَامِنِهِ» [الترمذي وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه پیراهن می‌پوشید از سمت راست به تن می‌کرد.

كان إِذَا اسْتَجَدَّ ثَوْبًا سَمَّاهُ بِاسْمِهِ، قَمِيصًا أو عَمَامَةً أو رِدَاءً ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ، أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا صُنِعَ لَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ» [أحمد وأبو داود].

ایشان ﷺ هرگاه لباس جدیدی می‌پوشید اسم آن را می‌گفت، مثلاً قمیص یا عمامه یا رداء (دوش انداز)؛ سپس می‌فرمود: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ، أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا صُنِعَ لَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ/ ای الله، تو را سپاس که این را به من پوشاندی؛ از تو خوبی این و خوبی آن‌چه برایش ساخته شده را خواهانم، و به تو پناه می‌برم از بدی آن، و بدی آن‌چه برایش ساخته شده است.»

۴. مسواک زدن ایشان ﷺ

«كان إِذَا دَخَلَ بَيْتَهُ بَدَأَ بِالسِّوَاكِ» [مسلم].

ایشان ﷺ هرگاه به خانه وارد می‌شد، شروع به مسواک زدن می‌نمود.

«كان لَا يَرْقُدُ مِنْ لَيْلٍ فَيَسْتَيْقِظُ إِلَّا تَسَوَّكَ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ هرگاه در شبی خوابش نمی‌برد، از جایش برمی‌خاست و مسواک می‌زد.

«كان لَا يَتَعَارَّ مِنَ اللَّيْلِ إلا أَجْرَىٰ السِّوَاكَ عَلَى فِيهِ» [الطبراني وصححه الألباني].

ایشان ﷺ چون در بسترش پهلو به پهلو می‌شد مسواک بر دهانش می‌کشید.

«كان إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ يَشُوصُ فَاهُ بِالسِّوَاكِ» [متفق عليه].

(يَشُوصُ فَاهُ: آن را تمیز می‌کرد).

ایشان ﷺ هرگاه در شب از خواب برمی‌خاست، دهانش را با مسواک تمیز می‌نمود.

«كان لا يَنَامُ إلا وَالسِّوَاكُ عِنْدَ رَأْسِهِ، فَإِذَا اسْتَيْقَظَ بَدَأَ بِالسِّوَاكِ» [أحمد وحسنه الألباني].

ایشان ﷺ نمی‌خوابید مگر این‌که مسواک را در کنار سر خود قرار می‌داد، پس هرگاه از خواب برمی‌خاست شروع به مسواک زدن می‌کرد.

۵. عطسه کردن

كان إِذَا عَطَسَ حَمِدَ اللهَ، فَيُقَالُ لَهُ: «يَرْحَمُكَ اللهُ»، فَيَقُول: «يَهْدِيكُمُ اللهُ وَيُصلِحُ بالَكُمْ» [أحمد وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه عطسه می‌نمود «اَلْحَمْدُ لله» می‌گفت؛ و در جواب ایشان ﷺ گفته می‌شد: «يَرْحَمُكَ اللهُ/ الله به شما رحم نماید!» سپس ایشان ﷺ می‌گفت: «يَهْدِيكُمُ اللهُ وَيُصلِحُ بالَكُمْ/ الله شما را هدایت نماید و حالتان را نیکو گرداند!»

«كان إِذَا عَطَسَ وَضَعَ يَدَهُ أَوْ ثَوْبَهُ عَلَى فِيهِ وَخَفَضَ بِهَا صَوْتَهُ» [أبو داود والترمذي وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه عطسه می‌نمود دست یا لباسش را بر دهانش قرار می‌داد، و صدایش را پایین می‌آورد.

۶. سلام کردن

«كان يَمُرُّ بِالصِّبْيَانِ فَيُسَلِّمُ عَلَيْهِمْ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ هرگاه از کنار کودکان عبور می‌کرد بر آنان سلام می‌نمود.

«كان يَمُرُّ بِالنِّسَاءِ فَيُسَلِّمُ عَلَيْهِنَّ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ هرگاه از کنار زنان عبور می‌نمود بر آنان سلام می‌کرد.

«كان إِذَا لَقِيَهُ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَامَ مَعَهُ فَلَمْ يَنْصَرِفْ حَتَّى يَكُونَ الرَّجُلُ هُوَ الَّذِي يَنْصَرِفُ عَنْهُ، وَإِذَا لَقِيَهُ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَتَنَاوَلَ يَدَهُ نَاوَلَهَا إِيَّاهُ فَلَمْ يَنْزَعْ يَدَهُ مِنْهُ حَتَّى يَكُونَ الرَّجُلُ هُوَ الَّذِي يَنْزِعُ يَدَهُ مِنْهُ، وَإِذَا لَقِيَ أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِهِ فَتَنَاوَلَ أُذُنَهُ نَاوَلَهَا إِيَّاهُ، ثُمَّ لَمْ يَنْزِعْهَا عَنْهُ حَتَّى يَكُونَ الرَّجُلُ هُوَ الَّذِي يَنْزِعُهَا عَنْهُ» [ابن سعد وحسنه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه یکی از یارانش ایشان را ملاقات می‌کرد و با هم می‌ایستادند، همچنان در کنارش می‌ایستاد تا این‌که آن شخص می‌رفت؛ و هرگاه با یکی از یارانش روبه‌رو می‌شد دست او را می‌فشرد، پس دستش را پس نمی‌کشید تا این‌که آن شخص دستش را می‌کشید؛ و هرگاه با یکی از یارانش روبه‌رو می‌شد و آن شخص می‌خواست به ایشان مطلبی بگوید، به او گوش فرا می‌داد، سپس او را رها نمی‌کرد تا این‌که آن شخص خود می‌رفت.

«كان لَا يُصَافِحُ النِّسَاءَ فِي الْبَيْعَةِ» [أحمد وحسنه الألباني].

ایشان ﷺ در هنگام بیعت و پیمان بستن به زنان دست نمی‌داد.

۷. خواب

«كان يَنَامُ أَوَّلَ اللَّيْلِ وَيُحْيِي آخِرَهُ» [متفق عليه].
ایشان ﷺ در ابتدای شب می‌خوابید و در آخر آن بیدار می‌ماند.

كان إِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْقُدَ وَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ». ثَلَاثَ مَرَّات [أبو داود وصححه الألباني].
ایشان ﷺ هرگاه می‌خواست بخوابد دست راستش را در زیر گونه‌اش قرار می‌داد، سپس سه بار می‌گفت: «اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ/ بارخدایا، در روزی که بندگانت را زنده می‌گردانی مرا از عذابت حفظ کن.»

«كان إِذَا أَرَادَ أَنْ يَنَامَ، وَهُوَ جُنُبٌ، غَسَلَ فَرْجَهُ، وَتَوَضَّأَ لِلصَّلَاةِ» [متفق عليه].
ایشان ﷺ هرگاه می‌خواست بخوابد در حالی که غسل بر ایشان واجب بود، شرمگاهش را می‌شست و وضو می‌گرفت، چنانکه برای نماز وضو می‌گرفت [و می‌خوابید].

كان إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ: «بِسْمِ اللهِ وَضَعْتُ جَنْبِي اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَأَخْسِئْ شَيْطَانِي، وَفُكَّ رِهَانِي، وَاجْعَلْنِي فِي النَّدِيِّ الْأَعْلَى» [أبو داود وصححه الألباني].
ایشان ﷺ هرگاه در شب در محل خوابش می‌خوابید، می‌گفت: «بِسْمِ اللهِ وَضَعْتُ جَنْبِي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَأَخْسِئْ شَيْطَانِي، وَفُكَّ رِهَانِي، وَاجْعَلْنِي فِي النَّدِيِّ الْأَعْلَى/ به نام الله پهلویم را بر زمین نهادم، بارخدایا گناهم را بیامرز، و شیطانم را دور بساز، و مرا از آن‌چه بر گردن دارم آزاد نما، و ترازوی اعمالم را سنگین کن، و مرا در جمع مقربان خودت قرار ده.»

كان إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ مِنَ اللَّيْلِ وَضَعَ يَدَهُ تَحْتَ خَدِّهِ ثُمَّ يَقُول: «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحيَا وَ بِاسْمِكَ أَمُوتُ»، وإذا استيقظ قال: «الْحَمْدُ لِلهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» [متفق عليه].
ایشان ﷺ شب هنگام، آن‌گاه که در محل خوابش می‌خوابید دستش را در

زیر گونه‌اش قرار می‌داد؛ سپس می‌گفت: «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحيَا وَ بِاسْمِكَ أَمُوتُ/ ای الله، با نام تو زنده می‌شوم و با نام تو می‌میرم.» و هرگاه بیدار می‌شد، می‌گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ/ ستایش برای الله است که ما را زنده نمود بعد از این‌که جان ما را گرفته بود، و بازگشت به سوی اوست.»

كان إِذَا أَوَىٰ إِلى فِرَاشِهِ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكَفَانَا وَآوَانَا وَكَمْ مِمَّنْ لا كَافِيَ لَهُ وَلا مَأْوَى لَهُ» [مسلم].

ایشان ﷺ هرگاه به رختخوابش می‌رفت، می‌گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكَفَانَا وَآوَانَا وَكَمْ مِمَّنْ لا كَافِيَ لَهُ وَلا مَأْوَى لَهُ/ حمد و ستایش برای الله که ما را خوراک داد و سیراب نمود و ما را حفظ نمود و پناه داد، پس چه بسیارند کسانی که نه محافظی دارند و نه پناه‌گاهی.»

كان لَا يَنَامُ حَتَّى يَقْرَأَ ﴿الم تَنْزِيلُ﴾ السَّجْدَةِ. و ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾ [أحمد والترمذي والنسائي وصححه الألباني].

ایشان ﷺ نمی‌خوابید تا این‌که سوره‌ی سجده و سوره‌ی ملک را تلاوت می‌نمود.

كان إِذَا تَضَوَّرَ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ: «لا إِلَهَ إِلّا الله الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ، رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ الأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ» [النسائي وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه در شب از گرسنگی بی‌خواب می‌شد می‌گفت: «لا إِلَهَ إِلّا الله الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ، رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ الأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ/ نیست فرمانروا و فریادرسی جز الله یگانه و غالب، پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین و آن‌چه در بین این دو هست، پیروزمند است و آمرزنده.»

«كان لَا يَنَامُ حَتَّى يَقْرَأَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَالزُّمَرَ» [أحمد والترمذي وصححه الألباني]

(بَنِي إِسْرَائِيلَ: سوره‌ی إسراء).

ایشان ﷺ نمی‌خوابید تا این‌که سوره‌های اسراء و زمر را تلاوت می‌کرد.

«كان إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ قَرَأَ ﴿ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴾ حَتَّىٰ يَخْتِمَهَا» [الطبراني وحسنه الألباني].

هرگاه به رختخوابش می‌رفت سوره‌ی کافرون را تا پایان تلاوت می‌کرد.

۸. فال خوب و بد

[قَالَ ﷺ : «لاَ طِيَرَةَ، وَخَيْرُهَا الفَأْلُ» قَالَ: وَمَا الفَأْلُ يَا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ: «الكَلِمَةُ الصَّالِحَةُ يَسْمَعُهَا أَحَدُكُمْ» [البخاری]

ایشان ﷺ می‌فرمود: از فال بد زدن بپرهیزید، و بهتر از آن فَأل است. [شخصی] گفت: ای رسول الله فَأل چیست؟ فرمود: سخن نیکی که یکی از شما می‌شنود.]

«كان يُعْجِبُهُ الْفَأْلُ الْحَسَنُ، وَيَكْرَهُ الطِّيَرَةَ» [ابن ماجه وصححه الألباني]

(الطِّيَرة: فال بد زدن).

فال خوب ایشان ﷺ را شاد می‌نمود، و فال بد ایشان ﷺ را ناراحت می‌کرد.

«كان يَتَفَاءَلُ وَلَا يَتَطَيَّرُ، وكان يُحِبُّ الاسْمُ الْحَسَنُ» [أحمد وصححه الألباني].

ایشان ﷺ خوش‌بین بود و بدبین نبود، و نام‌های نیکو را دوست می‌داشت.

«كان يُعْجِبُهُ إِذَا خَرَجَ لِحَاجَتِهِ أَنْ يَسْمَعَ: يَا رَاشِدُ، يَا نَجِيحُ» [الترمذي وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه برای کاری از خانه بیرون می‌رفت شادمان می‌شد اینکه [از کسی] بشنود: «یَا رَاشِدُ / ای هدایت‌یافته» «یَا نَجِیحُ / ای پیروز».

۹. آداب دیگر

«كان إِذَا جَاءَه أَمْرٌ يُسَرُّ بِهِ خَرَّ سَاجِداً شُكْراً لِلّٰهِ تَعَالَىٰ» [أبو داود وابن ماجه وحسنه الألباني].

هرگاه چیزی ایشان ﷺ را خوشحال می‌نمود، برای سپاس از الله متعال به سجده می‌رفت.

كان إِذَا أَتَاهُ الأَمْرُ يَسُرُّهُ قَالَ: «الحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ»، وإِذَا أَتَاهُ الأَمْرُ يَكْرَهُهُ قَالَ: «الحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَىٰ كُلِّ حَالٍ» [ابن السني والحاكم وصححه الألباني].

هرگاه چیزی ایشان ﷺ را خوشحال می‌نمود، می‌گفت: «الحَمْدُ لِلهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ/ حمد و ستایش از آنِ الله است که به وسیله‌ی نعمتش خوبی‌ها را کامل می‌گرداند.» و هرگاه چیزی ایشان ﷺ را ناراحت می‌ساخت، می‌گفت: «الحَمْدُ لِلهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ/ در همه‌ی احوال حمد و ستایش برای الله است.»

«كان يُغَيِّرُ الِاسْمَ القَبِيحَ» [الترمذي وصححه الألباني].

ایشان ﷺ اسامی ناشایست را تغییر می‌داد.

«كان يَأْمُرُ بِتَغْيِيرِ الشَّعرِ مُخَالَفَةً لِلأَعَاجِمِ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ برای مخالفت با عادت غیرعرب، دستور به تغییر [رنگ] دادن موی [سفید] می‌داد.

كان إِذَا حَلَفَ قَالَ: «وَالَّذِي نَفسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ» [ابن ماجه وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه سوگند می‌خورد، می‌فرمود: قسم به آن ذاتی که اختیار جان محمد به دست اوست.

كان يَحْلِفُ: «لاَ وَمُقَلِّبِ القُلُوبِ» [البخاري].

ایشان ﷺ سوگند یاد می‌کرد: «لاَ وَمُقَلِّبِ القُلُوبِ» قسم به دگرگون کننده‌ی قلب‌ها که انجام می‌دهم.

«كان يُحِبُّ التَّيَامُنَ مَا اسْتَطَاعَ فِي طُهُورِهِ وَنَعْلِهِ وَتَرَجُّلِهِ، وفِي شَأْنِهِ كُلِّهِ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ دوست داشت در تمیزی، کفش پوشیدن، راه رفتن، و حتی در تمامی کارها، در حد امکان از جانب راست شروع نمایند.

«كان يَجْعَلُ يَمِينَهُ لِأَكْلِهِ وَشُرْبِهِ، وَوُضُوئِهِ وَثِيَابِهِ، وَأَخْذِهِ وَعَطَائِهِ، وَكان يَجْعَلُ شِمَالَهُ لِمَا سِوَى ذَلِكَ» [أحمد وصححه الألباني].

ایشان ﷺ برای خوردن، نوشیدن، وضو گرفتن، لباس پوشیدن، گرفتن و دادن، از دست راست استفاده می‌نمود، و در بقیه‌ی کارها با دست چپ.

«كان أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَيْهِ مَا دُووِمَ عَلَيْهِ وَإِنْ قَلَّ» [البخاري].

محبوب‌ترین کارها به نزد ایشان ﷺ کارهایی بود که بادوام باشد، گرچه اندک.

«كان يَقْبَلُ الهَدِيَّةَ وَيُثِيبُ عَلَيْهَا» [البخاري].

ایشان ﷺ هدیه را قبول می‌نمود و آن را جبران می‌کرد.

كان إِذَا أَتَىٰ بَابَ قَوْمٍ لَمْ يَسْتَقْبِلِ الْبَابَ مِنْ تِلْقَاءِ وَجْهِهِ، وَلَكِنْ مِنْ رُكْنِهِ الْأَيْمَنِ، أَوِ الْأَيْسَرِ، وَيَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» [أحمد وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه به در خانه‌ای می‌رفت رو به در نمی‌ایستاد، بلکه از سمت راست یا چپ در قرار می‌گرفت، و می‌گفت: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ».

«كان إِذَا اكْتَحَلَ، اكْتَحَلَ وِتْرًا» [أحمد وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه به چشم سرمه می‌کشید به شمار وتر (فرد) انجام می‌داد.

كان إِذَا بَلَغَهُ عَنِ الرَّجُلِ الشَّيْءُ لَمْ يَقُلْ: «مَا بَالُ فُلَانٍ يَقُولُ؟»، وَلَكِنْ يَقُولُ: «مَا بَالُ أَقْوَامٍ يَقُولُونَ كَذَا وَكَذَا؟» [أبو داود وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه خبر رفتار ناشایستی از شخصی به او می‌رسید، نمی‌فرمود: فلانی را چه شده که چنین می‌گوید؟ بلکه می‌گفت: آن گروه را چه شده که چنین و چنان می‌گویند.

«كان يُعْجِبُهُ الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ» [أحمد والنسائي وصححه الألباني].

خواب‌های خوب، ایشان ﷺ را خوشحال می‌کرد.

***

مسافرت

«كان إِذَا أَرَادَ سَفَرًا أَقْرَعَ بَيْنَ نِسَائِهِ، فَأَيَّتُهُنَّ خَرَجَ سَهْمُهَا خَرَجَ بِهَا مَعَهُ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ هرگاه قصد سفر داشت بین زنان خود قرعه می‌انداخت، پس قرعه به نام هر کدام که بیرون می‌آمد با ایشان به مسافرت می‌رفت.

كان إِذَا وَدَّعَ رَجُلًا أَخَذَ بِيَدِهِ، فَلَا يَدَعُهَا حَتَّى يَكُونَ الرَّجُلُ هُوَ يَدَعُ يَدَه وَيَقُولُ: «اسْتَوْدِعُ اللهَ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ وَآخِرَ عَمَلِكَ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ هرگاه برای خداحافظی دست شخصی را می‌گرفت، دستش را رها نمی‌کرد تا وقتی که او دستش را می‌کشید؛ و می‌فرمود: «اسْتَوْدِعُ اللهَ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ وَآخِرَ عَمَلِكَ/ دین و امانتت، و پایان کارت را به الله می‌سپارم.»

«كان يَستحبّ أن يُسافر يومَ الخميسِ» [البخاري].

ایشان ﷺ دوست داشت که روز پنج‌شنبه سفر کنند.

كان إِذَا اسْتَوَىٰ عَلَى بَعِيرِهِ خَارِجًا إِلَىٰ سَفَرٍ، كَبَّرَ ثَلَاثًا، ثُمَّ قَالَ: « ﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ﴾ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَىٰ، وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَىٰ، اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا، وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمَنْظَرِ، وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ». وَإِذَا رَجَعَ قَالَهُنَّ وَزَادَ فِيهِنَّ: «آيِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ» [مسلم].

ایشان ﷺ هرگاه برای سفر بر سواریش سوار می‌شد، سه بار «الله اکبر» می‌گفت و می‌فرمود: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ؛ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَىٰ، وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَىٰ، اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا، وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمَنْظَرِ، وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ/ پاک و منزه است کسی که این را برایمان مسخر گرداند، در حالی که ما توانایی آن را نداشتیم، و

ما به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم. ای الله، در این سفرمان نیکی و پرهیزکاری را از تو می‌خواهیم، و کارهایی که از انجام آن راضی می‌شوی. ای الله، سفرمان را بر ما آسان گردان، و برایمان دوریش را کم کن. ای الله، تو همراه ما در سفر هستی، و جانشین ما در میان خانواده. ای الله، از سختی سفر، و منظره‌های ناراحت‌کننده، و تغییر بد در مال و خانواده به تو پناه می‌برم». و در هنگام بازگشت همین را می‌خواند و در ادامه‌ی آن می‌گفت: «آيِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ/ توبه‌کنان، پرستش‌کنان و ستایش‌کنان برای پروردگارمان در حال بازگشتیم.»

«كان إِذَا نَزَلَ مَنْزِلًا لَمْ يَرْتَحِلْ حَتَّى يُصَلِّيَ الظُّهْرَ» [أحمد وأبو داود والنسائي وصححه الألباني].

ایشان ﷺ در بین سفر هرگاه جایی استراحت می‌کرد، حرکت نمی‌نمود تا این‌که نماز ظهر را می‌خواند.

«كان إِذَا عَرَّسَ وعَلَيهِ لَيل تَوسَّد يَمينُه، وإِذَا عَرَّسَ قَبلَ الصُّبح وَضَعَ رَأْسَهُ عَلَى كَفِّهِ اليُمنىٰ وَأَقَامَ سَاعِدَه» [أحمد وابن حبان وصححه الألباني].

(عَرَس: اتراق نمودن مسافر در حین سفر برای خواب و استراحت).

ایشان ﷺ هرگاه در سفر جایی برای استراحت اتراق می‌نمود و شب بود دست راستش را زیر سر خود می‌گذاشت، و اگر قبل از سپیده‌دم بود سرش را بر کف دستش قرار می‌داد و ساعد دستش را عمود بر زمین می‌نهاد.

«كان يَجْمَعُ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي السَّفَرِ» [البخاري].

ایشان ﷺ در سفر بین نمازهای ظهر و عصر، و مغرب و عشاء جمع می‌نمود.

«كان إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ تُلُقِّيَ بِصِبْيَانِ أَهْلِ بَيْتِهِ» [مسلم].

ایشان ﷺ هرگاه از سفر بازمی‌گشت با کودکان نزدیکانش روبه‌رو می‌شد.

«كان إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ بَدَأَ بِالْمَسْجِدِ فَرَكَعَ فِيهِ رَكْعَتَيْنِ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ هرگاه از سفر بازمی‌گشت ابتدا در مسجد دو رکعت نماز می‌خواند.

* * *

رفتار ایشان ﷺ با همسرانش

«كان لَا يَطْرُقُ أَهْلَهُ لَيْلًا» [متفق عليه].

ایشان ﷺ هرگاه شب هنگام [از سفر برمی‌گشت] بر خانواده وارد نمی‌شد.

«كان لا يُفضِّلُ بَعْضَ أَزْوَاجِهِ عَلَى بَعضٍ فِي القِسْمِ مِن مُكْثِهِ عِندَهُنَّ» [أبو داود].

ایشان ﷺ برای شب ماندن نزد همسرانش، هیچ یک از آنان را بر دیگری ترجیح نمی‌داد.

كان يَقْسِمُ فَيَعْدِلُ، وَيَقُولُ: «اللَّهمَّ هَذِهِ قِسْمَتِي فِيمَا أَمْلِكُ، فَلَا تَلُمْنِي فِيمَا تَمْلِكُ وَلَا أَمْلِكُ» [أبو داود].

ایشان ﷺ در تقسیم نمودن بین همسرانش عدالت را رعایت می‌نمود، و می‌فرمود: ای الله، این تقسیم من است در آنچه که اختیار آن را دارم، پس مرا در آنچه که اختیار آن در دست توست و من در آن اختیاری ندارم، ملامت مکن.

«كان يَتَوَضَّأُ، ثُمَّ يُقَبِّلُ وَيُصَلِّي وَلَا يَتَوَضَّأُ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ وضو می‌گرفت، سپس [همسرش را] می‌بوسید و نماز می‌خواند؛ و مجدداً وضو نمی‌گرفت.

«كان يُبَاشِرُ نِسَائَهُ فَوْقَ الْإِزَارِ وَهُنَّ حُيَّضٌ» [مسلم].

ایشان ﷺ هرگاه یکی از همسرانش در حالت قاعدگی بود از روی دامن ایشان را لمس می‌نمود.

«كان إِذَا أَرَادَ أَنْ يُبَاشِرَ امْرَأَةً مِنْ نِسَائِهِ وَهِيَ حَائِضٌ أَمَرَهَا أَنْ تَتَّزِرَ ثُمَّ يُبَاشِرُهَا» [البخاري].

ایشان ﷺ هرگاه می‌خواست با یکی از همسرانش باشد و همسرش در حالت قاعدگی بود دستور می‌داد که پوشیده باشد و سپس او را لمس می‌نمود.

[قَالَ ﷺ : «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ، وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي» [ابن‌ماجه و صححه الألبانی]

ایشان ﷺ می‌فرمود: بهترین شما، بهترینتان برای خانواده‌اش است و من بهترین شما برای خانواده‌ام هستم.

قَال ﷺ : «إِذَا أَنْفَقَ الرَّجُلُ عَلَى أَهْلِهِ يَحْتَسِبُهَا فَهُوَ لَهُ صَدَقَةٌ» [متفق علیه]

ایشان ﷺ می‌فرمود: هرگاه مردی به خاطر رضای الله مالی را خرج خانواده‌اش نماید برایش صدقه به حساب می‌آید.

قَال ﷺ : «لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا أَتَىٰ أَهْلَهُ قَالَ «بِاسْمِ الله، اللَّهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا»، فَقُضِيَ بَيْنَهُمَا وَلَدٌ لَمْ يَضُرُّهُ» [متفق علیه]

ایشان ﷺ می‌فرمود: هرگاه یکی از شما با همسرش نزدیکی کرد، بگوید: «بِاسْمِ اللهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا/ به نام الله، الهی ما را از شیطان، و شیطان را از هرآنچه که روزی ما خواهی کرد (فرزند) دور کن»، پس اگر در میان آن دو (نطفه) فرزندی بسته شد، شیطان به او ضرری نمی‌رساند.]

* * *

خوردنی و نوشیدنی

كان إِذَا قُرِّب إِلَيهِ طَعَامٌ قَالَ: «بِسْمِ اللهِ»، فإذا فُرِغَ قَالَ: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَطْعَمْتَ وَسَقَيْتَ، وأَغْنَيْتَ وَأَقْنَيْتَ، وهَدَيْتَ واجْتَبيتَ، اللَّهُمَّ فَلَكَ الحَمْدُ عَلى مَا أَعْطَيْتَ» [أحمد وصححه الألباني].

هرگاه غذا برایشان می‌آوردند، «بِسْمِ الله» می‌گفت، و هرگاه دست از خوردن می‌کشید، می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَطعَمْتَ وَسَقَيْتَ، وأَغْنَيْتَ وَأَقْنَيْتَ، وهَدَيْتَ واجتَبَيْتَ، اللَّهُمَّ فَلَكَ الحَمْدُ عَلىٰ مَا أَعْطَيْتَ/ بارخدایا، همانا تو غذا دادی و نوشاندی، و بی‌نیاز نمودی و قانع ساختی، و هدایت کردی و برگزیدی. بارخدایا، پس تو را سپاس برای همه‌ی آنچه به من بخشیده‌ای.»

[قال ﷺ : «يَا غُلاَمُ، سَمِّ اللهَ، وَكُلْ بِيَمِينِكَ، وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ» [بخاری]

ایشان ﷺ فرمود: ای کودک، (در ابتدای غذا) «بِسْمِ الله» بگو، و با دست راست بخور، و از جلو خودت لقمه را بردار.]

«كان يَأْكُلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعَ، وَيَلْعَقُ يَدَهُ قَبْلَ أَنْ يَمْسَحَهَا» [مسلم].

ایشان ﷺ با سه انگشت غذا می‌خورد و قبل از اینکه دستش را پاک نمایند آن را می‌لیسید.

«كان لاَ يَأْكُلُ مُتَّكِئًا» [أحمد وصححه الألباني].

ایشان ﷺ به صورت تکیه زده غذا نمی‌خورد.

«كان إِذَا أَكَلَ طَعَامًا لَعِقَ أَصَابِعَهُ الثَّلَاثَ» [مسلم].

ایشان ﷺ هرگاه غذا می‌خورد سه انگشتشان را می‌لیسید.

كان إِذَا أَكَلَ أَوْ شَرِبَ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلهِ الَّذِي أَطْعَمَ، وَسَقَىٰ وَسَوَّغَهُ وَجَعَلَ لَهُ مَخْرَجًا» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ هرگاه چیزی می‌خورد یا می‌نوشید می‌گفت: «الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي أَطْعَمَ، وَسَقَى وَسَوَّغَهُ وَجَعَلَ لَهُ مَخْرَجًا / حمد و ستایش برای الله است که غذا داد و نوشاند و آن را حلال نمود، و راهی را برای دفع آن قرار داد.»

كان إِذَا شَرِبَ تَنَفَّسَ ثَلَاثًا، وَيَقُولُ: «هُوَ أَهْنَأُ، وَأَمْرَأُ، وَأَبْرَأُ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ هرگاه [چیزی را] می‌نوشید در این بین سه بار نفس می‌کشید و می‌فرمود: «این بخششی است گوارا، سودمند و پاک.»

«كان يَشْرَبُ ثَلَاثَةَ أَنفَاس، يُسَمِّي اللهَ فِي أَوَّلِهِ، وَيَحْمَدُ اللهَ فِي آخِرِهِ» [ابن السني وصححه الألباني].

ایشان ﷺ با سه نفس می‌نوشید؛ در ابتدای آن اسم الله (بِسمِ‌الله) می‌گفت و در پایان الله را ستایش می‌نمود (الحَمدُلِله).

«كان يُكرِهُ أن يُؤخَذَ مِن رَأسِ الطَّعَامِ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ ناپسند می‌دانست که از بالای غذا لقمه برداشته شود.

«كان يُسْتَعْذَبُ لَهُ الْمَاءُ - وفي لفظ: يُسْتَقَى لَهُ الْمَاءُ الْعَذْبُ - مِنْ بِئر السُّقْيَا» [أحمد وأبو داود وصححه الألباني].

برای ایشان ﷺ آب گوارایی از چاه سُقیا (با مدینه دو روز فاصله داشت) می‌آوردند.

«كان إِذَا أَرَادَ أَنْ يَأْكُلَ أَوْ يَشْرَبَ وَهُوَ جُنُبٌ غَسَلَ يَدَيْهِ، ثُمَّ يَأْكُلُ أَوْ يَشْرَبُ» [أحمد وأبو داود والنسائي وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه در حالت جنابت بود و قصد خوردن و نوشیدن [چیزی] داشت ابتدا دستانش را می‌شست.

«كان أَحَبُّ الشَّرَابِ إِلَيه الحُلْوَ البَارِدَ» [صحيح الجامع].

دوست داشتنی‌ترین نوشیدنی نزد ایشان ﷺ، نوشیدنی شیرین و خنک بود.

«كان أَحَبَّ العَرْقِ إِلَيهِ ذِرَاعُ الشَّاةِ» [أحمد وأبو داود وصححه الألباني]

(العَرق: استخوانی که مقداری گوشت بر آن باقی مانده است).

دوست داشتنی‌ترین استخوان گوشت‌دار نزد ایشان ﷺ، استخوان بازوی گوسفند بود.

«كان يُحِبُّ الحَلْوَاءَ وَالعَسَلَ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ حلوا و عسل را دوست می‌داشت.

«كان يُحِبُّ الدُّبَّاءَ» [صححه الألباني]

(الدّبّاء: کدو حلوایی).

ایشان ﷺ کدو حلوایی را دوست می‌داشت.

«كان يُحِبُّ الزُّبْدَ وَالتَّمْرَ» [أبو داود وصححه الألباني].

ایشان ﷺ کَره و خرما را دوست می‌داشت.

كان يَأْكُلُ الْبِطِّيخَ بِالرُّطَبِ فيَقُولُ: «نَكْسِرُ حَرَّ هَذَا بِبَرْدِ هَذَا، وَبَرْدَ هَذَا بِحَرِّ هَذَا» [أبو داود وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هندوانه را با رطب می‌خورد و می‌فرمود: گرمای این را با سردی این می‌شکنیم، و سردی این را با گرمی این.

«كان يَأْكُلُ الْقِثَّاءَ بِالرُّطَبِ» [متفق عليه]

(القثّاء: خیارسبز).

ایشان ﷺ خیارسبز را با رطب می‌خورد.

وإِذَا رُفِعَتْ مَائِدَتُهُ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلهِ حَمْداً كَثِيراً طَيِّباً مُبَارَكاً فِيهِ، الْحَمْدُ لِلهِ الَّذي كَفَانَا وَآوَانَا، غَيْرَ مَكْفِيٍّ ولا مَكفُورٍ وَلَا مُوَدَّعٍ وَلَا مُسْتَغْنًى عَنْهُ رَبَّنَا» [البخاري].

هرگاه سفره جمع می‌شد، ایشان ﷺ می‌فرمود: «الْحَمْدُ لِلهِ حَمْداً كَثِيراً طَيِّباً مُبَارَكاً فِيهِ، الْحَمْدُ لِلهِ الذي كَفَانَا وَآوَانَا، غَيْرَ مَكْفِيٍّ ولا مَكفُورٍ وَلَا مُوَدَّعٍ وَلَا مُسْتَغْنًى عَنْهُ رَبَّنَا/ حمد و ستایش برای الله، حمد بسیار پاک و پربرکت. حمد و

ستایش برای الله که ما را روزی داد و پناه داد، در حالی که نیاز داشتیم، و نه ناسپاس و نه رویگردان، و نه هم که از پروردگارمان بی‌نیاز باشیم.»

«كان لَهُ جَفْنَةٌ لَهَا أَرْبَعُ حِلَقٍ» [الطبراني وصححه الألباني].

ایشان ﷺ دیگی داشت که چهار دسته داشت.

«كان له صَعَةٌ يُقَالُ لَهَا الْغَرَّاءُ يَحْمِلُهَا أَرْبَعَةُ رِجَالٍ» [أبو داود وصححه الألباني].

ایشان ﷺ دیگی داشت که به آن غَرّاء می‌گفت، که چهار مرد آن را جا به جا می‌نمود.

[قال ﷺ : «طَعَامُ الِاثْنَيْنِ كَافِي الثَّلاثَةِ، وَطَعَامُ الثَّلاثَةِ كَافِي الأَرْبَعَةِ» [بخاری]

ایشان ﷺ می‌فرمود: غذای دو نفر، سه نفر را کفایت می‌کند؛ و غذای سه نفر، چهار نفر را کفایت می‌کند.]

* * *

نزول وحی

«كان إِذَا نَزَلَ عَلَيهِ الوَحيُ ثَقُلَ لِذَلِكَ، وتَحَدَّرَ جَبِينُه عَرَقًا كَأَنَّهُ جُمان، وإن كان فِي البَرد» [متفق عليه].

هرگاه بر ایشان ﷺ وحی نازل می‌شد به خاطر آن سنگین می‌شد، و به مانند دانه‌های مروارید از پیشانیش عرق پایین می‌آمد، واگرچه هوا سرد می‌بود.

«كان إِذَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ الوَحى كُرِبَ لِذَلِكَ، وَتَرَبَّدَ لَهُ وَجْهُهُ» [مسلم].

(تربّد: تغییر کرد و قرمز شد)

هرگاه وحی بر ایشان ﷺ نازل می‌شد به خاطر آن به سختی می‌افتاد و چهره‌اش قرمز می‌گشت و تغییر می‌نمود.

«كان إِذَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ الْوَحْيُ نَكَسَ رَأْسَهُ وَنَكَسَ أَصْحَابُهُ رُءُوسَهُمْ، فَإِذَا أَقلَعَ عَنْهُ رَفَعَ رَأْسَهُ» [مسلم].

هرگاه بر ایشان ﷺ وحی نازل می‌شد سرش را به پایین می‌افکند، و همچنین یارانش که در حضورش بودند سرهایشان را خم می‌کردند؛ پس چون حالت وحی از میان می‌رفت سر خود را بالا می‌آورد.

* * *

تأکید ایشان ﷺ بر توحید

كان آخِرَ مَا تَكَلَّمَ بِهِ أَنَّهُ قَالَ: «قَاتَلَ اللهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ، لَا يَبْقَيَنَّ دِينَانِ بِأَرْضِ الْعَرَبِ» [البيهقي وصححه الألباني].

از آخرین سخنانی که ایشان ﷺ می‌فرمود این بود که: **«الله یهود و نصارا را نابود کند، زیرا قبرهای پیامبرانشان را سجده‌گاه قرار دادند؛ این دو دین در سرزمین عرب باقی نمانند.»**

قَالَ الإِمَامُ ابنُ القَيِّم فِي سَدِّ النَّبِيِّ ﷺ الذَرائِعَ إِلَى الشِّرك، أنّه ﷺ قال: «لا تَقُولُوا مَا شَاءَ مُحَمَّدٌ» [ابن ماجه وأحمد وصححه الألباني].

امام ابن قیّم در رابطه با کارهای پیامبر ﷺ برای جلوگیری از شرک بیان می‌کند که ایشان ﷺ می‌فرمود: «هرگز نگویید که آنچه محمد بخواهد.»

وذَمَّ الخَطِيبُ الَّذِي قَالَ: «مَنْ يُطِعِ اللهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ رَشَدَ، وَمَنْ يَعْصِهِمَا فَقَدْ غَوَىٰ» [مسلم]. سَدًّا لِذَرِيعَةِ التَّشرِيك فِي المَعنِي بِالتَّشرِيك فِي اللَّفظ، وحَسمًا لِمَادَّةِ الشِّرك حتَّى فِي اللَّفظ، ولِهَذا قَال لِلَّذِي قَالَ لَه: «مَا شَاءَ اللهُ وَشِئْتَ»: «أَجَعَلتَنِي لِلهِ نِدًّا»؟ [أحمد و ابن‌ماجه وصححه الألباني].

ایشان ﷺ سرزنش نمود گوینده‌ای که گفت: «هرکس الله و رسولش را اطاعت نماید، قطعاً هدایت شد؛ و هرکس **"آن دو"** را نافرمانی کند قطعاً گمراه گشته است.» برای جلوگیری از ایجاد همراهی در معنی و مفهوم، به صورت ایجاد همراهی در لفظ (يَعْصِهِمَا). و منع می‌نمود از شریک قرار دادن خود و خداوند حتی در لفظ، و از این رو در جواب شخصی که به ایشان ﷺ فرموده بود: «آنچه که الله و شما بخواهید»، فرمود: «آیا مرا برای الله شریک قرار می‌دهی؟»

* * *

عبادت‌های ایشان ﷺ

روش ایشان ﷺ در پاکیزگی و برطرف نمودن ناپاکی

كان إِذَا دَخَلَ الخَلاَءَ قَالَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الخُبُثِ وَالخَبَائِثِ» [متق عليه].

ایشان ﷺ هرگاه به دستشویی وارد می‌شد می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الخُبُثِ وَالخَبَائِثِ/ ای الله، از شیطان‌های نر و ماده به تو پناه می‌برم.»

كان إِذَا خَرَجَ مِنَ الْغَائِطِ قَالَ: «غُفْرَانَكَ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ هرگاه از دستشویی خارج می‌شد می‌فرمود: «غُفْرَانَكَ/ از تو آمرزش می‌طلبم.»

«كان إِذَا اسْتَجْمَرَ، اسْتَجْمَرَ وِتْرًا» [أحمد وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه خود را با سنگ تمیز می‌نمود آن را تاک می‌ساخت.

«كان إِذَا أَرَادَ الْحَاجَةَ لَمْ يَرْفَعْ ثَوْبَهُ حَتَّى يَدْنُوَ مِنَ الْأَرْضِ» [أبو داود والترمذي وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه قصد قضای حاجت داشت لباسش را بالا نمی‌برد تا این‌که به زمین نزدیک می‌شد.

«كان أَحَبَّ مَا اسْتَتَرَ بِهِ لِحَاجَتِهِ، هَدَفٌ أَوْ حَائِشُ نَخْلٍ» [مسلم].

(هَدَفٌ: هر چیز مرتفعی مانند کوه یا تپه شنی. حَائِشُ نَخل: نخل‌های انبوه و به هم پیوسته مانند دیوار).

جایی که ایشان ﷺ می‌پسندید تا خود را به وسیله‌ی آن برای قضای حاجت مستور و پنهان سازند محل مرتفع یا نخل‌های انبوه بود.

«وكان إِذَا تَوَضَّأَ، أَخَذَ كَفًّا مِنْ مَاءٍ، فَنَضَحَ بِهِ فَرْجَهُ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ هرگاه قصد وضو داشت [برای اطمینان از پاکی، قبل از آن] یک کفِ دست آب می‌گرفت و بر شرمگاهش می‌زد.

روش ایشان ﷺ در وضو گرفتن و غسل کردن

«كان يَتَوَضَّأُ عِنْدَ كُلِّ صَلاَةٍ» [البخاري].

ایشان ﷺ به هنگام هر نماز وضو می‌گرفت.

«كان إِذَا تَوَضَّأَ أَدَارَ الْمَاءَ عَلَى مِرْفَقَيْهِ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ هرگاه وضو می‌گرفت آب را بر آرنج‌هایش می‌گرداند.

«وإِذَا تَوَضَّأَ دَلَكَ أَصَابِعَ رِجْلَيْهِ بِخِنْصَرِهِ» [صحيح الجامع].

و ایشان ﷺ هرگاه وضو می‌گرفت به‌وسیله انگشت کوچکش بین انگشتان دو پایش دست می‌کشید.

«كان إِذَا تَوَضَّأَ خَلَّلَ لِحْيَتَهُ بِالْمَاءِ» [أحمد والحاكم وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه وضو می‌گرفت با آب ریش‌های خود را خلال می‌کرد.

«كان يَتَوَضَّأُ مَرَّةً وَاحِدَةً، وَاثنَتَين اثنَتَين، وثَلَاثاً ثَلَاثاً، كُلُّ ذَلِكَ يَفعَلُ» [الطبراني وصححه الألباني].

ایشان ﷺ به هنگام وضو هر عضوی را یک‌بار، و دوبار، و سه بار می‌شست. ایشان ﷺ همه‌ی این مرتبه‌ها را انجام می‌داد.

«كان لَا يَتَوَضَّأُ بَعْدَ الغُسْلِ» [أحمد والترمذي وحسنه الألباني].

ایشان ﷺ بعد از غسل کردن، وضو نمی‌گرفت.

«كانَ لَهُ خِرْقَةٌ يُنَشِّفُ بِهَا بَعْدَ الوُضُوءِ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ دستمالی داشت که بعد از وضو خود را خشک می‌نمود.

«كان يَغْتَسِلُ بِالصَّاعِ وَيَتَوَضَّأُ بِالْمُدِّ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ با یک صاع (تقریباً سه لیتر) غسل می‌نمود و با یک مُد (کمتر از یک لیتر) وضو می‌گرفت.

«كان إِذَا الْتَقَى الخِتَانَانِ اغْتَسَلَ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ هرگاه دو ختنه‌گاه به هم می‌رسید غسل می‌نمود.

روش ایشان ﷺ در رابطه با اذان

كان إِذَا سَمِعَ الْمُؤَذِّنَ قَالَ مِثْلَ مَا يَقُولُ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ: (حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الفَلَاحِ) قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلاّ بِاللهِ» [احمد وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه صدای مؤذن را می‌شنید به مانند مؤذن تکرار می‌کرد تا اینکه به (حی علی الصلاة، حی علی الفلاح) می‌رسید، که می‌فرمود: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلاّ بِاللهِ/ هیچ نیرویی بر انجام طاعت و هیچ نیرویی بر ترک گناه نیست مگر به نیرو و قدرت الله.»

«كان لَهُ مُؤَذِّنَانِ: بِلَالٌ، وَابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ الْأَعْمَىٰ» [مسلم].

ایشان ﷺ دو مؤذن داشت: بلال و عبدالله بن ام‌مکتوم که نابینا بود.

[أَنَّ النَّبِي ﷺ قَالَ: " مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ النِّدَاءَ: «اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلاَةِ القَائِمَةِ آتِ مُحَمَّدًا الوَسِيلَةَ وَالفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ»، حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ القِيَامَةِ ". [البخاری]

پیامبر ﷺ می‌فرمود: هرکس به هنگام شنیدن اذان بگوید: «اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلاَةِ القَائِمَةِ آتِ مُحَمَّدًا الوَسِيلَةَ وَالفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ»، شفاعت من در روز قیامت برای او محقق می‌شود.

ترجمه‌ی دعا «الهی، ای پروردگار این ندای کامل و نماز برپا شده، به محمد مقام وسیله و فضیلت عطا فرما و او را با مقام ستوده‌ای که وعده‌اش داده‌ای برانگیز».]

* * *

روش ایشان ﷺ در نماز

كان آخِرَ كَلَامِ النَّبِيِّ ﷺ: «الصَّلَاةَ الصَّلَاةَ، اتَّقُوا اللَّهَ فِيمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» [أبو داود و ابن‌ماجه وصححه الألباني].

از آخرین سخن‌های پیامبر ﷺ این بود: «نماز، نماز [را به پا دارید]؛ در رابطه با بردگانتان تقوای خدا را پیشه کنید.»

«كان إِذَا حَزَبَهُ أَمْرٌ، صَلَّى» [أحمد وأبو داود وحسنه الألباني].

هرگاه چیزی ایشان ﷺ را اندوهگین می‌ساخت، نماز می‌خواند.

«كان إِذَا اشْتَدَّ البَرْدُ بَكَّرَ بِالصَّلاَةِ، وَإِذَا اشْتَدَّ الحَرُّ أَبْرَدَ بِالصَّلاَةِ» [البخاري].

(أبرَدَ بِالصَّلَاة: به تاخیر انداختن نماز تا زمانی که از شدت گرما کاسته شود).

هرگاه سرما شدت می‌گرفت ایشان ﷺ در خواندن نماز شتاب می‌نمود، و هرگاه گرما شدت می‌یافت نماز خواندن را به تأخیر می‌انداخت.

كان إِذَا اسْتَفْتَحَ الصَّلَاةَ، قَالَ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ هرگاه نماز را آغاز می‌نمود، می‌فرمود: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ/ پاک و منزه هستی ای الله، و به ستایش تو مشغولم، و اسمت مبارک، و جایگاهت بلندمرتبه است، و هیچ فرمانروا و فریادرسی به حق جز تو نیست.»

«كان يُصَلِّي عَلَى رَاحِلَتِهِ حَيْثُ تَوَجَّهَتْ بِهِ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يُصَلِّيَ الْمَكْتُوبَةَ، نَزَلَ فَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ بر سواریش به هر سو که می‌رفت نماز (نافله) می‌خواند، پس هرگاه قصد خواندن نماز فرض را داشت از سواری پیاده می‌شد و رو به قبله می‌نمود.

«كان يُصَلِّي فِي نَعْلَيْهِ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ در حالی که کفش‌هایش به پا داشت نماز می‌خواند.

۱. امامت نماز ایشان ﷺ

«كان أَخَفَّ النَّاسِ صَلَاةً عَلَى النَّاسِ، وأَطوَلَ النَّاسِ صَلَاةً لِنَفسِهِ» [أحمد وصححه الألباني].

ایشان ﷺ در نماز جماعت، از هرکس دیگر نماز را کوتاه‌تر می‌خواند، و در حالت تنهایی از هرکس دیگر نمازش را طولانی‌تر می‌کرد.

«كَانَ أَخَفَّ النَّاسِ صَلَاةً فِي تَمَامٍ» [مسلم].

ایشان ﷺ نماز [جماعت] را نسبت به همه کوتاه‌تر می‌خواند.

«وَيَسْتَغْفِرُ لِلصَّفِّ الْمُقَدَّمِ ثَلاثَ مَرَّاتٍ وَلِلثَّانِي مَرَّةً» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ برای صف اول سه بار درخواست مغفرت می‌کرد و برای صف دوم یک بار.

۲. تلاوت نماز ایشان ﷺ

كان يَقْرَأُ فِي الظُّهْرِ فِي الأُولَيَيْنِ بِأُمِّ الكِتَابِ، وَسُورَتَيْنِ، وَفِي الرَّكْعَتَيْنِ الأُخْرَيَيْنِ بِأُمِّ الكِتَابِ وَيُسْمِعُنَا الآيَةَ، وَيُطَوِّلُ فِي الرَّكْعَةِ الأُولَى مَا لاَ يُطَوِّلُ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ، وَهَكَذَا فِي العَصْرِ وَهَكَذَا فِي الصُّبْحِ. [متفق عليه].

ایشان ﷺ در دو رکعت اول ظهر سوره‌ی فاتحه و دو سوره‌ی دیگر تلاوت می‌نمود، و در دو رکعت آخر سوره فاتحه، و بعضی آیات را به گوش ما می‌رساند؛ و رکعت اول را طولانی‌تر از رکعت دوم می‌خواند، و در نمازهای عصر و صبح نیز این‌چنین بود.

«كان يَقْرَأُ فِي العِشَاءِ بـ ﴿ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ﴾ وَنَحْوِهَا مِنَ السُّوَرِ» [أحمد والترمذي].

ایشان ﷺ در نماز عشاء سوره‌ی ﴿ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ﴾ [سوره شمس] و سوره‌هایی مثل آن را می‌خواند.

«كان يَقْرَأُ فِي الْفَجْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ﴿الم * تَنْزِيلُ﴾ و ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ﴾» [متفق عليه].

ایشان ﷺ در نماز صبح روز جمعه، سوره‌های سجده و انسان تلاوت می‌نمود.

۲. رکوع و سجده‌های ایشان ﷺ

«كان إِذَا رَكَعَ فَرَّجَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ وَإِذَا سَجَدَ ضَمَّ أَصَابِعَهُ» [أبو داود وصححه الألباني].

ایشان ﷺ در هنگام رکوع انگشتانش را باز می‌کرد و در هنگام سجده آن‌ها را جمع می‌نمود.

وإِذَا رَكَعَ قَالَ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»، وإِذَا سَجَدَ قَالَ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» ثَلَاثًا. [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ در رکوع می‌فرمود: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ/ پاک و منزه است پروردگار بزرگوار من و به حمد و ستایشش مشغولم.» و در سجده می‌فرمود: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ/ پاک و منزه است پروردگار بلندمرتبه من و به حمد و ستایشش مشغولم»؛ هر کدام سه بار.

«كان إِذَا رَكَعَ سَوَّى ظَهْرَهُ، حَتَّى لَوْ صُبَّ عَلَيْهِ الْمَاءُ لَاسْتَقَرَّ» [ابن ماجه وصححه الألباني].

ایشان ﷺ به هنگام رکوع کمرشان را راست قرار می‌داد به گونه‌ای که اگر آب بر روی آن ریخته می‌شد، باقی می‌ماند.

كان إِذَا كَانَ رَاكِعًا أَوْ سَاجِدًا قَالَ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ هرگاه در حالت رکوع یا سجده قرار می‌گرفت می‌فرمود: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ/ ای الله، پاک و منزه هستی و به

حمد و ستایشت مشغولم، از تو آمرزش می‌خواهم و به سوی تو باز می‌گردم.»

«وإِذَا سَجَدَ جَافَى حَتَّىٰ يُرَىٰ بَيَاضُ إِبْطَيْهِ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ هرگاه به سجده می‌رفت دو دستش را دور از خود نگه می‌داشت به گونه‌ای که سفیدی زیر بغلش دیده می‌شد.

«كان إِذَا كَانَ فِي وِتْرٍ مِنْ صَلاَتِهِ لَمْ يَنْهَضْ حَتَّىٰ يَسْتَوِيَ قَاعِدًا» [البخاري].

ایشان ﷺ هرگاه در رکعت‌های وتر نمازش بود برنمی‌خاست تا این‌که راست می‌نشست.

۴. سلام نماز دادن ایشان ﷺ

«كان يَنْصَرِفُ مِنَ الصَّلَاةِ عَنْ يَمِينِهِ» [مسلم].

ایشان ﷺ هرگاه از نماز فارغ می‌شد رو به سمت راست می‌نمود.

كان إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفَرَ ثَلَاثًا وَقَالَ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» [مسلم].

ایشان ﷺ هرگاه از نمازش فارغ می‌شد سه بار استغفار می‌نمود، سپس می‌فرمود: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ/ الهی، تو سلامی و سلامتی از جانب توست، مبارکی و صاحب جلال و بخشش».

۵. عادت‌های نیکوی ایشان ﷺ

«كان إِذَا صَلَّى رَكْعَتَيِ الفَجْرِ اضْطَجَعَ عَلَى شِقِّهِ الأَيْمَنِ» [البخاري].

ایشان ﷺ هرگاه دو رکعت نماز صبح را می‌خواند بر پهلوی راست دراز می‌کشید.

«ولاَ يَدَعُ أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ، وَرَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الغَدَاةِ» [البخاري].

ایشان ﷺ چهار رکعت قبل از نماز ظهر، و دو رکعت قبل از نماز صبح را ترک نمی‌کرد.

«كان يُصَلِّي قَبْلَ الظُّهرِ رَكْعَتَيْنِ، وَبَعْدَهَا رَكْعَتَيْنِ، وَبَعْدَ المَغْرِبِ رَكْعَتَيْنِ فِي بَيْتِهِ، وَبَعْدَ العِشَاءِ رَكْعَتَيْنِ، وَكَانَ لاَ يُصَلِّي بَعْدَ الجُمُعَةِ حَتَّى يَنْصَرِفَ، فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ فِي بَيْتِهِ» [متفق علیه].

ایشان ﷺ دو رکعت قبل از نماز ظهر و دو رکعت بعد از آن می‌خواند، و بعد از نماز مغرب دو رکعت در خانه می‌خواند، و بعد از نماز جمعه نمازی نمی‌خواند تا اینکه از آن فارغ می‌شد، پس دو رکعت در خانه می‌خواند.

«كان يُصَلِّي بَيْنَ المَغْرِبِ وَالعِشَاءِ» [صحیح الجامع].

ایشان ﷺ بین مغرب و عشاء نماز می‌خواند.

۶. نماز ضحی، شب و وتر

«كان إِذَا صَلَّى الغَدَاةَ جَلَسَ فِي مُصَلاَّهُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ» [مسلم].

ایشان ﷺ هرگاه نماز صبح را می‌خواند در محل نمازشان می‌نشست تا این‌که خورشید طلوع می‌نمود.

«كان يُصَلِّي الضُّحَى أَرْبَعًا وَيَزِيدُ مَا شَاءَ اللهُ» [مسلم].

ایشان ﷺ نماز ضحی را چهار رکعت می‌خواند، و [گاهی] چیزی بر آن می‌افزود.

«كان إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ لِيُصَلِّيَ، افْتَتَحَ صَلاَتَهُ بِرَكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ» [مسلم].

ایشان ﷺ هرگاه شب هنگام برای نماز برمی‌خاست با دو رکعت کوتاه نمازش را شروع می‌کرد.

«كان إِذَا تَهَجَّدَ سَلَّمَ بَيْنَ كُلِّ رَكْعَتَيْنِ» [مسلم].

ایشان ﷺ هرگاه نماز تهجد (شب) می‌خواند بین هر دو رکعت سلام می‌داد.

«كان يَقُومُ مِنَ اللَّيْلِ حَتَّى تَتَفَطَّرَ قَدَمَاهُ» [متفق علیه].

ایشان ﷺ قسمتی از شب برمی‌خاست و به نماز مشغول بود تا اینکه پاهایشان متورم می‌شد.

«كان يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ ثَلاَثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً مِنْهَا الوِتْرُ، وَرَكْعَتَا الفَجْرِ» [متفق علیه].
ایشان ﷺ در شب سیزده رکعت نماز می‌خواند که نماز وتر و دو رکعت صبح نیز شامل آن‌ها بود.

«كان لَا يَدَعُ قِيَامَ اللَّيْلِ، وَكَانَ إِذَا مَرِضَ أَوْ كَسِلَ صَلَّىٰ قَاعِدًا» [أبو داود والحاكم].
ایشان ﷺ نماز شب را ترک نمی‌کرد و هرگاه مریض بود یا بدحال، نشسته نماز می‌خواند.

«كان إِذَا نَامَ مِنَ اللَّيْلِ، أَوْ مَرِضَ، صَلَّىٰ مِنَ النَّهَارِ اثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً» [مسلم].
ایشان ﷺ هرگاه [از نماز شب] خواب می‌ماند یا مریض بود، در روز دوازده رکعت نماز می‌خواند.

«كَانَ يُوتِرُ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ وَأَوْسَطِهِ وَآخِرِهِ» [صحيح الجامع].
ایشان ﷺ نماز وترش را در اول شب یا وسط، یا آخر آن، می‌خواند.

«كان يُوتِرُ عَلَىٰ الْبَعِيرِ» [متفق علیه].
ایشان ﷺ بر روی شتر نماز وترش را می‌خواند.

* * *

روش ایشان ﷺ در نماز جمعه

«كان إِذَا صَعِدَ الْمِنْبَرَ سَلَّمَ» [ابن ماجه وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه بر بالای منبر می‌رفت سلام می‌کرد.

«كان يَجْلِسُ إِذَا صَعِدَ الْمِنْبَرَ حَتَّىٰ يَفْرَغَ الْمُؤَذِّنُ، ثُمَّ يَقُومُ، فَيَخْطُبُ، ثُمَّ يَجْلِسُ فَلَا يَتَكَلَّمُ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَخْطُبُ» [أبوداود وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه بر منبر بالا می‌رفت می‌نشست تا اینکه مؤذن اذان را تمام می‌نمود، سپس بلند می‌شد و خطبه می‌گفت، سپس می‌نشست و چیزی نمی‌گفت، سپس بلند می‌شد و خطبه می‌گفت.

«وإِذَا خَطَبَ احْمَرَّتْ عَيْنَاهُ، وَعَلَا صَوْتُهُ، وَاشْتَدَّ غَضَبُهُ، حَتَّى كَأَنَّهُ مُنْذِرُ جَيْشٍ يَقُولُ: "صَبَّحَكُمْ وَمَسَّاكُمْ"» [مسلم].

ایشان ﷺ هرگاه خطبه می‌گفت چشمانش قرمز می‌شد، صدایش بالا می‌رفت، و خشمش شدت می‌یافت؛ گویا فرمانده‌ی لشکر باشد، در خطاب به لشکریانش که آنان را از بیم هجوم دشمن در صبحگاه و شامگاه هشدار می‌دهد.

«كان يَخْطُبُ قَائِمًا، وَيَجْلِسُ بَيْنَ الْخُطْبَتَيْنِ، وَيَقْرَأُ آيَاتٍ، وَيُذَكِّرُ النَّاسَ» [مسلم].

ایشان ﷺ ایستاده خطبه می‌گفت و بین دو خطبه می‌نشست، و آیاتی را تلاوت می‌نمود و به مردم پند می‌داد.

«كان لَا يُطِيلُ الْمَوْعِظَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ» [أبو داود وصححه الألباني].

ایشان ﷺ پند و اندرز روز جمعه را طولانی نمی‌کرد.

«كان يَخْطُبُ بِـ (قاف) كُلَّ جُمُعَةٍ» [أبو داود وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هر جمعه در خطبه‌ی خود سوره‌ی قاف قرائت می‌نمود.

«كَانَتْ صَلَاتُهُ قَصْدًا، وَخُطْبَتُهُ قَصْدًا» [مسلم].

نماز و خطبه ایشان ﷺ متعادل بود، نه بسیار طولانی و نه خیلی کوتاه.

روش ایشان ﷺ در عید

«كان يَخْرُجُ إِلَى الْعِيدِ مَاشِيًا، وَيَرْجِعُ مَاشِيًا» [ابن ماجه وصححه الألباني].

ایشان ﷺ با پیاده به سمت عیدگاه می‌رفت، و پیاده نیز بر می‌گشت.

«كان يَخْرُجُ إِلَى الْعِيدِ مَاشِيًا، وَيُصَلِّي بِغَيرِ أَذَانٍ ولَا إِقَامَةٍ، ثُمَّ يَرجِعُ مَاشِيًا مِن طَرِيقٍ آخَر» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ پیاده به سمت عیدگاه می‌رفت، و بدون اذان و اقامه نماز می‌خواند، و با پیاده از مسیر دیگری برمی‌گشت.

«كان يَخْرُجُ فِي الْعِيدَيْنِ رَافِعًا صَوْتَهُ بِالتَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ» [البيهقي في الشعب وحسنه الألباني].

ایشان ﷺ در دو عید خارج می‌شد و با صدای بلند تهلیل (لا إله إلا الله) و تکبیر (الله اکبر) می‌گفت.

«ويُصَلِّي فِي العِيدَيْنِ قَبْلَ الخُطْبَةِ ثُمَّ يَخْطُبُ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ در عیدین قبل از خطبه نماز می‌خواند، و سپس خطبه می‌گفت.

«كان يُكَبِّرُ فِي العِيدَيْنِ فِي الأُولَى سَبْعًا قَبْلَ القِرَاءَةِ، وَفِي الآخِرَةِ خَمْسًا قَبْلَ القِرَاءَةِ» [الترمذي وابن ماجه].

ایشان ﷺ در نماز عیدین در رکعت اول قبل از تلاوت هفت بار تکبیر می‌گفت، و در رکعت آخر پنج بار.

«كان إِذَا كَانَ يَوْمُ عِيدٍ خَالَفَ الطَّرِيقَ» [البخاري].

ایشان ﷺ در روز عید مسیر خود را تغییر می‌داد.

«كان لَا يُؤَذَنُ لَهُ فِي العِيدَينِ» [مسلم].

در عیدین برای ایشان ﷺ اذان گفته نمی‌شد.

«كان لَا يُصَلِّي قَبْلَ الْعِيدِ شَيْئًا، فَإِذَا رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ» [ابن ماجه وحسنه الألباني].

ایشان ﷺ قبل از نماز عید، نمازی نمی‌خواند، و هرگاه به خانه‌اش باز می‌گشت دو رکعت نماز می‌خواند.

«كان يُكَبِّرُ يَوْمَ الْفِطْرِ مِنْ حِينِ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ حَتَّى يَأْتِيَ الْمُصَلَّى» [الحاكم والبيهقي وصححه الألباني].

ایشان ﷺ در روز عید فطر از خانه که خارج می‌شد تا زمانی‌که به مصلا می‌رسید تکبیر (الله اکبر) می‌گفت.

«كان لا يَخْرُجُ يَوْمَ الْفِطْرِ حَتَّىٰ يَطْعَمَ، وَلا يَطْعَمُ يَوْمَ النَّحْرِ حَتَّىٰ يَذْبَحَ» [أحمد والترمذي وصححه الألباني].

ایشان ﷺ در روز عید فطر از خانه خارج نمی‌شد تا اینکه چیزی می‌خورد، و در روز عید قربان چیزی نمی‌خورد تا اینکه قربانی می‌کرد.

«كان يَأْمُرُ بَنَاتَهُ وَنِسَائَهُ أَنْ يَخْرُجْنَ فِي الْعِيدَيْنِ» [أحمد وصححه الألباني].

ایشان ﷺ در عیدین از دختران و زنانش می‌خواست که [برای حضور در مراسم نماز] از خانه خارج شوند.

«كان يَأْمُرُ بِإِخْرَاجِ الزكاةِ قَبْلَ الغُدُوِّ لِلصَّلاةِ يَوْمَ الفِطْرِ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ به دادن زکات فطر قبل از سپیده‌دم عید فطر دستور می‌داد.

* * *

روش ایشان ﷺ در قربانی کردن

«كان يُضَحِّي بِكَبْشَيْنِ أَقْرَنَيْنِ أَمْلَحَيْنِ، وكان يُسَمِّي وَيُكَبِّرُ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ دو قوچ شاخ‌دار پیشانی سفید قربانی می‌کرد و بسم الله و تکبیر می‌گفت.

«كان يَنحَرُ أضحِيَّتَهُ بِالمُصَلَّى» [البخاري].

ایشان ﷺ قربانیش را در مصلا نحر (قربانی) می‌نمود.

«كان يَذْبَحُ أُضْحِيَّتَهُ بِيَدِهِ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ با دست خود قربانیش را ذبح (قربانی) می‌کرد.

* * *

دعای ایشان ﷺ در هنگام درخواست باران

كان إِذَا اسْتَسْقَىٰ قَالَ: «اللَّهُمَّ اسْقِ عِبَادَكَ، وَبَهَائِمَكَ، وَانْشُرْ رَحْمَتَكَ، وَأَحْيِ بَلَدَكَ الْمَيِّتَ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ به هنگام طلب باران می‌فرمود: «اللَّهُمَّ اسْقِ عِبَادَكَ، وَبَهَائِمَكَ، وَانْشُرْ رَحْمَتَكَ، وَأَحْيِ بَلَدَكَ الْمَيِّتَ/ الهی، بندگانت و چهارپایانت را سیراب کن و رحمت خودت را منتشر کن، و سرزمین مرده‌ات را زنده کن.»

روش ایشان ﷺ در رابطه با جنازه‌ها

كان إِذَا وُضِعَ الْمَيِّتُ فِي لَحْدِهِ قَالَ: «بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ ﷺ» [أبو داود والترمذي وصححه الألباني].

هرگاه ایشان ﷺ میت را در لحد [قبر] قرار می‌داد می‌فرمود: «بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ ﷺ / به نام الله، و برای الله، و در راه الله، و بر راه و روش رسول الله ﷺ.»

كان إِذَا فَرَغَ مِنْ دَفْنِ الْمَيِّتِ وَقَفَ عَلَيْهِ، فَقَالَ: «اسْتَغْفِرُوا لِأَخِيكُمْ، وَسَلُوا لَهُ بِالتَّثْبِيتِ، فَإِنَّهُ الْآنَ يُسْأَلُ» [أبو داود وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه از دفن مرده‌ای فارغ می‌شد می‌ایستاد و می‌فرمود: برای برادرتان از الله طلب بخشش نمایید و برایش پایداری بخواهید؛ چرا که اکنون از او سؤال کرده می‌شود.

«كان إِذَا كَانَ مَعَ الْجَنَازَةِ لَمْ يَجْلِسْ حَتَّىٰ تُوضَعَ فِي اللَّحْدِ، أو حَتَّىٰ تُدفَنَ» [النسائي وصححه الحاكم ووافقه الذهبي].

ایشان ﷺ هرگاه با جنازه‌ای بود نمی‌نشست تا این‌که آن را در لحد قرار می‌داد، یا تا این‌که دفن کرده می‌شد.

روش ایشان ﷺ در رابطه با زکات و صدقه

کان إِذَا أُتِيَ بِطَعَامٍ سَأَلَ عَنْهُ: «أَهَدِيَّةٌ أَمْ صَدَقَةٌ؟» فَإِنْ قِيلَ صَدَقَةٌ، قَالَ لِأَصْحَابِهِ: «كُلُوا»، وَلَمْ يَأْكُلْ، وَإِنْ قِيلَ هَدِيَّةٌ، ضَرَبَ بِيَدِهِ فَأَكَلَ مَعَهُمْ. [متفق علیه].

هرگاه غذایی آورده می‌شد ایشان ﷺ در مورد آن سؤال می‌کرد: آیا هدیه است یا صدقه است؟ پس اگر گفته می‌شد: صدقه است، به یارانش می‌فرمود: بخورید؛ و خود نمی‌خورد. و اگر گفته می‌شد: هدیه است، شتاب می‌نمود و با آنان می‌خورد.

کان إِذَا أَتَاهُ قَوْمٌ بِصَدَقَتِهِمْ قال: «اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آلِ فلانٍ» [متفق علیه].

هرگاه قومی همراه با صدقه‌هایشان به نزد ایشان ﷺ می‌آمدند می‌فرمود: «اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آلِ فلانٍ/ الهی، صلوات بفرست بر آل فلانی.»

«كانَ أَجْوَدُ بِالخَيْرِ مِنَ الرِّيحِ المُرْسَلَةِ» [متفق علیه].

ایشان ﷺ در کار خیر از باد وزنده بخشنده‌تر بود.



روش ایشان ﷺ در روزه‌داری

كانَ إِذَا رَأَىٰ الهِلَالَ قَالَ: «اللَّهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْيُمْنِ وَالإِيمَانِ، وَالسَّلامَةِ وَالإِسْلامِ، رَبِّي وَرَبُّكَ اللهُ» [أحمد والترمذي وحسنه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه هلال ماه را می‌دید می‌فرمود: «اللَّهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْيُمْنِ وَالإِيمَانِ، وَالسَّلامَةِ وَالإِسْلامِ، رَبِّي وَرَبُّكَ اللهُ/ الهی، این هلال را با امن و ایمان، و سلامتی و اسلام بر ما آشکار گردان، [ای هلال] پروردگار من و تو الله است.»

كان أَكْثَرَ مَا يَصُومُ الِاثْنَيْنِ وَالْخَمِيسَ، فَقِيلَ لَهُ، فَقَالَ: «إِنَّ الْأَعْمَالَ تُعْرَضُ كُلَّ اثْنَيْنِ وَخَمِيسٍ، فَيَغْفِرُ لِكُلِّ مُسْلِمٍ إِلَّا الْمُتَهَاجِرَيْنِ، فَيَقُولُ: أَخِّرْهُمَا» [صحيح الجامع].

بیش‌ترین روزهایی که ایشان ﷺ روزه می‌گرفت دوشنبه و پنج‌شنبه بود. پس در مورد آن از او پرسیدند. فرمود: «هر دوشنبه و پنج‌شنبه اعمال [به الله] عرضه می‌شوند، پس هر مسلمانی بخشوده می‌شود مگر متهاجرین (دو نفری که قهر باشند). پس [الله] می‌فرماید: آن دو را رها کنید [تا این‌که آشتی کنند].»

«كان لا يَدَعُ صَوْمَ أَيَّامِ الْبِيضِ فِي سَفَرٍ، وَلا حَضَرٍ» [الطبراني وصححه الألباني].

ایشان ﷺ چه در حالت اقامت و چه در حال سفر روزه‌ی ایام البیض (سیزده، چهارده و پانزده هر ماه) را ترک نمی‌کرد.

«كانَ أَحَبَّ الشُّهُورِ إِلَيهِ أَنْ يَصُومَهُ شَعْبَانُ، ثُمَّ يَصِلُهُ بِرَمَضَانِ» [أبو داود وصححه الألباني].

ایشان ﷺ ماهی که بیشتر دوست داشت در آن روزه بگیرد ماه شعبان بود، سپس آن را به رمضان وصل می‌نمود.

«كان يُفْطِرُ عَلَى رُطَبَاتٍ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ رُطَبَاتٌ، فَعَلَى تَمَرَاتٍ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ حَسَا حَسَوَاتٍ مِنْ مَاءٍ» [أحمد وأبو داود والترمذي وحسنه الألباني].

ایشان ﷺ قبل از اینکه نماز بخواند با چند رطب افطار می‌نمود، پس اگر

رطب نبود با چند دانه خرما، پس اگر خرما هم نبود با چند جرعه آب.

كان إِذَا أَفْطَرَ قَالَ: «ذَهَبَ الظَّمَأُ وَابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ، وَثَبَتَ الْأَجْرُ إِنْ شَاءَ اللهُ» [أبو داود وحسنه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه افطار می‌کرد می‌فرمود: «ذَهَبَ الظَّمَأُ وَابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ، وَثَبَتَ الْأَجْرُ إِنْ شَاءَ اللهُ/ تشنگی از میان رفت، و رگ‌ها تر شد، و اگر الله بخواهد پاداش ثبت شده است.»

كان إِذَا أَفْطَرَ عِنْدَ قَومٍ قَالَ: «أَفْطَرَ عِنْدَكُمُ الصَّائِمُونَ، وَأَكَلَ طَعَامَكُمُ الْأَبْرَارُ، وَتَنَزَّلَتْ عَلَيْكُمُ الْمَلَائِكَةُ» [أحمد والنسائي وأبو داود وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه نزد قومی افطار می‌کرد، می‌فرمود: روزه‌داران نزد شما افطار کنند، و نیکوکاران غذای شما را بخورند، و فرشتگان بر شما فرود آیند!

كان إِذَا دَخَلَ بَيتِهِ قَالَ: «هَلْ عِنْدَكُمْ طَعَامٌ؟» فَإِذَا قِيلَ: لَا، قَالَ: «إِنِّي صَائِمٌ» [أبو داود وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه به خانه وارد می‌شد می‌فرمود: آیا غذایی دارید؟ و هرگاه گفته می‌شد: نه. می‌فرمود: من روزه هستم.

«كان يُدْرِكُهُ الفَجْرُ وَهُوَ جُنُبٌ مِنْ أَهْلِهِ، ثُمَّ يَغْتَسِلُ، وَيَصُومُ» [متفق عليه].

هرگاه سپیده‌دم فرا می‌رسید و ایشان ﷺ جنب بود، غسل می‌نمود و روزه می‌گرفت.

«كان يُقَبِّلُ وَهُوَ صَائِمٌ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ [زنانش را] می‌بوسید در حالی که روزه بود.

«كان يَجْتَهِدُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ، مَا لَا يَجْتَهِدُ فِي غَيْرِهِ» [مسلم].

ایشان ﷺ در ده روز آخر رمضان به نسبت وقت‌های دیگر تلاش بیشتری [برای عبادت] می‌نمود.

«كان إِذَا دَخَلَ الْعَشْرُ شَدَّ مِئْزَرَهُ، وَأَحْيَا لَيْلَهُ، وَأَيْقَظَ أَهْلَهُ» [متفق عليه].

هرگاه دهه‌ی آخر رمضان فرا می‌رسید ایشان ﷺ عزمشان را [برای عبادت] جزم می‌کرد و شب‌ها را بیدار می‌ماند و خانواده‌اش را بیدار می‌کرد.

«كان إِذَا كَانَ مُقِيمًا اعْتَكَفَ الْعَشْرَ الْأَوَاخِرَ مِنْ رَمَضَانَ، وَإِذَا سَافَرَ اعْتَكَفَ مِنَ الْعَامِ الْمُقْبِلِ عِشْرِينَ» [أحمد والترمذي وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه مقیم بود ده روز آخر رمضان را به اعتکاف می‌نشست و اگر هم مسافر بود سال آینده را بیست روز به اعتکاف می‌نشست.

«كان إِذَا أَرَادَ أَنْ يَعْتَكِفَ صَلَّى الْفَجْرَ، ثُمَّ دَخَلَ فِي مُعْتَكَفِهِ» [أبو داود والترمذي وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه قصد اعتکاف داشت نماز صبح می‌خواند، سپس به محل اعتکافش داخل می‌شد.

* * *

روش ایشان ﷺ در حج

«كان إِذَا أَرَادَ أَنْ يُحْرِمَ تَطيَّب بِأَطْيَبِ مَا يَجِدُ» [مسلم].

ایشان ﷺ هرگاه می‌خواست مُحرِم شود با خوشبوترین عطری که داشت خود را خوشبو می‌نمود.

«كان إِذَا كَانَ قَبلَ يَومُ التَّروِيَةِ بِيَومٍ خَطَب النَّاس فَأخبَرَهُم بِمَنَاسِكِهِم» [الحاكم والبيهقي وصححه الألباني].

ایشان ﷺ یک روز قبل از روز ترویه (هشتم ذوالحجه) برای مردم خطبه می‌خواند و آنان را به انجام مناسک [حج] آگاه می‌ساخت.

«كان إِذَا طَافَ بِالبَيتِ اسْتَلَمَ الْحَجَرَ وَالرُّكنَ فِي كُلِّ طَوَافٍ» [أحمد والحاكم وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه طواف کعبه انجام می‌داد در هر طواف حجرالاسود و رکن یمانی را مسح می‌کرد.

«كان لَا يَسْتَلِمُ إِلَّا الْحَجَرَ وَالرُّكْنَ الْيَمَانِيَ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ در حج چیزی را جز حجرالاسود و رکن یمانی مسح نمی‌کرد.

«كان إِذَا رَمَى جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ مَضَى، وَلَمْ يَقِفْ» [البخاري].

ایشان ﷺ هرگاه رمی جمره انجام می‌داد عبور می‌کرد و نمی‌ایستاد.

«كان يُصَلِّي بِمِنًى رَكْعَتَيْنِ» [متفق عليه]

(یعنی: نماز چهار رکعتی را قصر می‌نمود).

ایشان ﷺ در منا نمازش را [شکسته] دو رکعت می‌خواند.

كان إِذَا قَفَلَ مِنْ غَزْوٍ أَوْ حَجٍّ أَوْ عُمْرَةٍ، يُكَبِّرُ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ مِنَ الأَرْضِ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ، ثُمَّ يَقُولُ: «لاَ إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، آيِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ، صَدَقَ اللهُ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الأَحْزَابَ وَحْدَهُ» [متفق عليه].

ایشان ﷺ هرگاه از جهاد یا حج یا عمره برمی‌گشت، بر هر بلندی از زمین سه بار تکبیر (الله اکبر) می‌گفت، سپس می‌فرمود: «لاَ إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ المُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، آيِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ، صَدَقَ اللهُ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الأَحْزَابَ وَحْدَهُ/ معبود به حقی جز الله نیست، یکتاست و شریکی ندارد. فرمانروایی و ستایش برای اوست و او بر هر چیزی تواناست. توبه‌کنان، پرستش‌کنان، ستایش‌کنان برای پروردگارمان در حال بازگشتیم. الله وعده‌اش را به انجام رساند، و بنده‌اش را یاری نمود، و به تنهایی همه‌ی گروه‌ها را شکست داد.»

* * *

روش ایشان ﷺ در جهاد

«كان إِذَا أَرَادَ غَزْوَةً وَرَّىٰ بِغَيْرِهَا» [أبو داود والنسائي وصححه الألباني]

(وَرّی بِغَیرِهَا: چیزی غیر از آنچه قصد داشت نمایان می‌ساخت).

ایشان ﷺ هرگاه قصد غزوه (جهاد) داشت چیزی غیر از آن‌چه که قصد داشت نشان می‌داد.

كان إِذَا غَزَا قَالَ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضُدِي، وَأَنْتَ نَصِيرِي، بِكَ أَحُولُ، وَبِكَ أَصُولُ، وَبِكَ أُقَاتِلُ» [أحمد وأبو داود والترمذي وصححه الألباني].

ایشان ﷺ هرگاه می‌جنگید می‌فرمود: «اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضُدِي، وأَنْتَ نَصِيرِي، بِكَ أحُولُ، وَبِكَ أصُولُ، وَبِكَ أُقَاتِلُ/ الهی، تو بازویم هستی، و تو یاری‌گرم هستی، به تو پناه می‌برم، و به تو تکیه می‌کنم، و با کمک تو می‌جنگم.»

كان إِذَا أَرَادَ أَنْ يَسْتَوْدِعَ الْجَيْشَ قَالَ: «أَسْتَوْدِعُ اللهَ دِينَكُمْ وَأَمَانَتَكُمْ وَخَوَاتِيمَ أَعْمَالِكُمْ» [صحيح الجامع].

ایشان ﷺ هرگاه با سپاه خداحافظی می‌کرد می‌فرمود: «أَسْتَوْدِعُ اللهَ دِينَكُمْ وَأَمَانَتَكُمْ وَخَوَاتِيمَ أَعْمَالِكُمْ/ دین و امانتتان، و پایان کارتان را به الله واگذار می‌کنم.»

«كان رَايَتُهُ سَوْدَاءَ وَلِوَاؤُهُ أَبْيَضُ» [صحيح الجامع].

پرچم لشکر ایشان ﷺ سیاه بود و پرچم دسته‌ها به رنگ سفید.

* * *

درمان بیماری و رُقْیه

کان يَحْتَجِمُ عَلَى هَامَتِهِ، وَبَيْنَ كَتِفَيْهِ، وَيَقُول: «مَنْ أَهْرَاقَ مِنْهُ هَذِهِ الدِّمَاءَ، فَلَا يَضُرُّهُ أَنْ لَا يَتَدَاوَى بِشَيْءٍ، لِشَيْءٍ» [أبو داود وصححه الألباني].

ایشان ﷺ بر سرش و بین دو کتف حجامت می‌نمود، و می‌فرمود: «کسی که این خون‌ها از او بریزد، پس اگر چیزی را به چیز دیگری درمان نکند ضرری نمی‌بیند.»

و إِذَا اشْتَكَىٰ أَحَدٌ مِن رَأْسِهِ، قَالَ: «اذْهَبْ فَاحْتَجِمْ». وَإِذَا اشْتَكَىٰ رِجْلَهُ، قَالَ: «اذْهَبْ فَاخْضِبْهَا بِالْحِنَّاءِ» [الطبراني وحسنه الألباني].

هرگاه فردی از سردرد می‌نالید ایشان ﷺ می‌فرمود: برو و حجامت کن. و هرگاه از پادرد می‌نالید، می‌فرمود: برو و آن را با حنا رنگین کن.

[قال ﷺ : «الشِّفَاءُ فِي ثَلَاثَةٍ: فِي شَرْطَةِ مِحْجَمٍ، أَوْ شَرْبَةِ عَسَلٍ، أَوْ كَيَّةٍ بِنَارٍ، وَأَنَا أَنْهَىٰ أُمَّتِي عَنِ الكَيِّ» [البخاری]

ایشان ﷺ فرمود: درمان در سه چیز است: در حجامت نمودن، یا نوشیدن عسل، یا داغ نمودن؛ و من امتم را از داغ کردن برحذر می‌دارم.]

كان إِذَا أَتَىٰ مَرِيضًا أَوْ أُتِيَ بِهِ، قَالَ: «أَذْهِبِ الْبَأْسَ رَبَّ النَّاسِ، وَاشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا» [متفق عليه].

ایشان ﷺ هرگاه به نزد مریضی می‌رفت یا [بیماری] آورده می‌شد می‌فرمود: «أَذْهِبِ الْبَأْسَ رَبَّ النَّاسِ، وَاشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا / ای پروردگار مردم، سختی و ناراحتی را ببر، شفا ده که شفابخش تویی، هیچ شفایی نیست مگر شفای تو، شفایی که پس از آن بیماری‌ای نماند.»

«كان يَنْفُثُ فِي الرُّقْيَةِ» [ابن ماجه].

ایشان ﷺ در هنگام رقیه کردن (درمان با آیات و اذکار) فوت می‌کرد و می‌دمید.

«وإِذَا مَرِضَ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِهِ نَفَثَ عَلَيْهِ بِالْمُعَوِّذَاتِ» [مسلم].

هرگاه شخصی از خانواده‌ی ایشان ﷺ مریض می‌شد بر او معوذات (سوره‌های فلق و ناس) تلاوت می‌کرد و بر او می‌دمید.

كان إِذَا اشْتَكَى رَقَاهُ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: «بِاسْمِ اللهِ يُبْرِيكَ وَمِنْ كُلِّ دَاءٍ يَشْفِيكَ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ، وَشَرِّ كُلِّ ذِي عَيْنٍ» [مسلم].

هرگاه ایشان ﷺ دچار ناراحتی می‌شد، جبریل ؑ بر ایشان ﷺ دعا می‌خواند و می‌فرمود: «بِاسْمِ اللهِ يُبْرِيكَ، وَمِنْ كُلِّ دَاءٍ يَشْفِيكَ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ، وَشَرِّ كُلِّ ذِي عَيْنٍ/ به نام الله که تو را از بیماری پاک می‌کند، و از هر دردی شفا می‌دهد، و از شر هر حسدورزی چون حسد ورزد و از بدی هر چشم‌زخمی [پناهت می‌دهد].»

كان إِذَا دَخَلَ عَلَى مَرِيضٍ يَعُودُهُ قَالَ: «لاَ بَأْسَ، طَهُورٌ إِنْ شَاءَ اللهُ» [البخاري].

ایشان ﷺ هرگاه بر بیماری وارد می‌شد و از او عیادت می‌نمود می‌فرمود: «لاَ بَأْسَ، طَهُورٌ إِنْ شَاءَ اللهُ/ مشکلی نیست، این بیماری اگر الله بخواهد پاک کننده‌ی [گناهان] است.»

«كان يَأْمُرُ أن نَستَرقِي مِنَ العَين» [مسلم].

ایشان ﷺ امر می‌فرمود که برای در امان بودن از چشم‌زخم، رُقْیه بخوانیم.

كان يَقُولُ فِي مَرَضِهِ الَّذِي تُوُفِّيَ فِيهِ: «لاَ إِلَهَ إِلَّا اللهُ، إِنَّ لِلْمَوْتِ سَكَرَاتٍ» [بخاری].

ایشان ﷺ در بیماری که در آن وفات نمود، می‌فرمود: «لاَ إِلَهَ إِلَّا اللهُ، إِنَّ لِلْمَوْتِ سَكَرَاتٍ/ معبود به حقی جز الله نیست، همانا مرگ سختی‌هایی دارد.»

وقَال وهُوَ يُعَانِي سَكَراتِ المَوت: «لَعْنَةُ الله عَلَى اليَهُودِ وَالنَّصَارَى، اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» يُحَذِّرُ مَا صَنَعُوا [متفق عليه].

ایشان ﷺ در حالی که از سختی‌های مرگ رنج می‌برد می‌فرمود: «لعنت الله بر یهود و نصارا باد، چراکه قبرهای پیامبرانشان را سجده‌گاه قرار دادند.» ایشان اُمتش را از کاری که آنان انجام داده بودند برحذر می‌داشت.

وكان عَامَّةُ وَصِيَّتِه حِينَ حَضَرَهُ المَوت: «الصَّلَاةَ، وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» حَتَّى جَعَلَ يُغَرغِرُ بِهاَ صَدَره، ولَا يُفِيضَ بِها لِسَانَهُ [ابن ماجه وحسنه البوصيري].

بیشترین سفارش ایشان ﷺ به هنگام وفات این بود: «نماز [را به پا دارید] و در مورد بردگانتان [به خوبی رفتار کنید]»؛ تا اینکه نفس کشیدن ایشان به شماره افتاد و قادر به سخن نبود.

از الله متعال می‌خواهیم که ما را از پیروان آن پیامبر بزرگوار ﷺ قرار دهد، و با ایشان محشورمان نماید، و ما را از مسیر و روش ایشان منحرف نگرداند، به راستی که الله بهترین عهده‌دار کارهاست و او بهترین یاور و یاری دهنده است.



﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ﴾ [آل عمران: ۳۱]

«بگو: اگر الله را دوست می‌دارید، پس مرا پیروی کنید تا الله هم شما را دوست بدارد، و گناهانتان را بیامرزد؛ و الله بسیار آمرزنده و مهربان است.»

دوست داشتن الله، با پیروی و دوست داشتن رسول الله ﷺ معنا می‌یابد، و تنها از این رهگذر می‌توان به کمال ایمان دست یافت.

﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا﴾ [احزاب: ۲۱]

«یقیناً برای شما در [روش و رفتار] رسول الله، الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به الله و روز قیامت امید دارد؛ و الله را بسیار یاد می‌کند.»

این کتاب در واقع حکم آیینه‌ای دارد که سیمای پیامبر و اخلاق و رفتار ایشان را به شما می‌نمایاند. امید است که مورد استقبال و استفاده‌ی رهروان ایشان قرار گیرد.

فروش اینترنتی: www.Tayyebin.Net



انتشارات ایلاف

شیراز : خیابان فردوسی ، نبش کوچه ۱۲ ، ساختمان شماره ۲۰ ، طبقه همکف
تلفن : ۰۷۱-۳۲۲۴۵۷۵۵

www.ilaf.ir
Email:info@ilaf.ir

